

فرارسیدن بهار تعلیم و تربیت را با گرامیداشت یاد شاعر توانای ایران زمین،

استاد شهریار در روز شعر و ادب فارسی (۲۷ شهریور)

به تمامی معلمان، دانش آموزان، دانشجویان و اهل فرهنگ

تبریک می گوئیم

طبعم از لعل تو آموخت در اثنای ما

ای رخت چشمه خورشید در حشانی ما

سرو من صبح بهار است به طرف چمن آسی

تا نیست بنوازد به گل اثنای ما

گر بدین جلوه به دریاچه اشکم تابی

چشم خورشید شود خیره ز رحنای ما

دیده در ساق چو گلبرگ تو لغزد که ندید

مخل این کوزه به کاشانه کاشانی ما

دارم از زلف تو اسباب پریشانی جمع

ای سر زلف تو مجموع پریشانی ما

تو بدین لعل لب ار بر سر بازار آبی

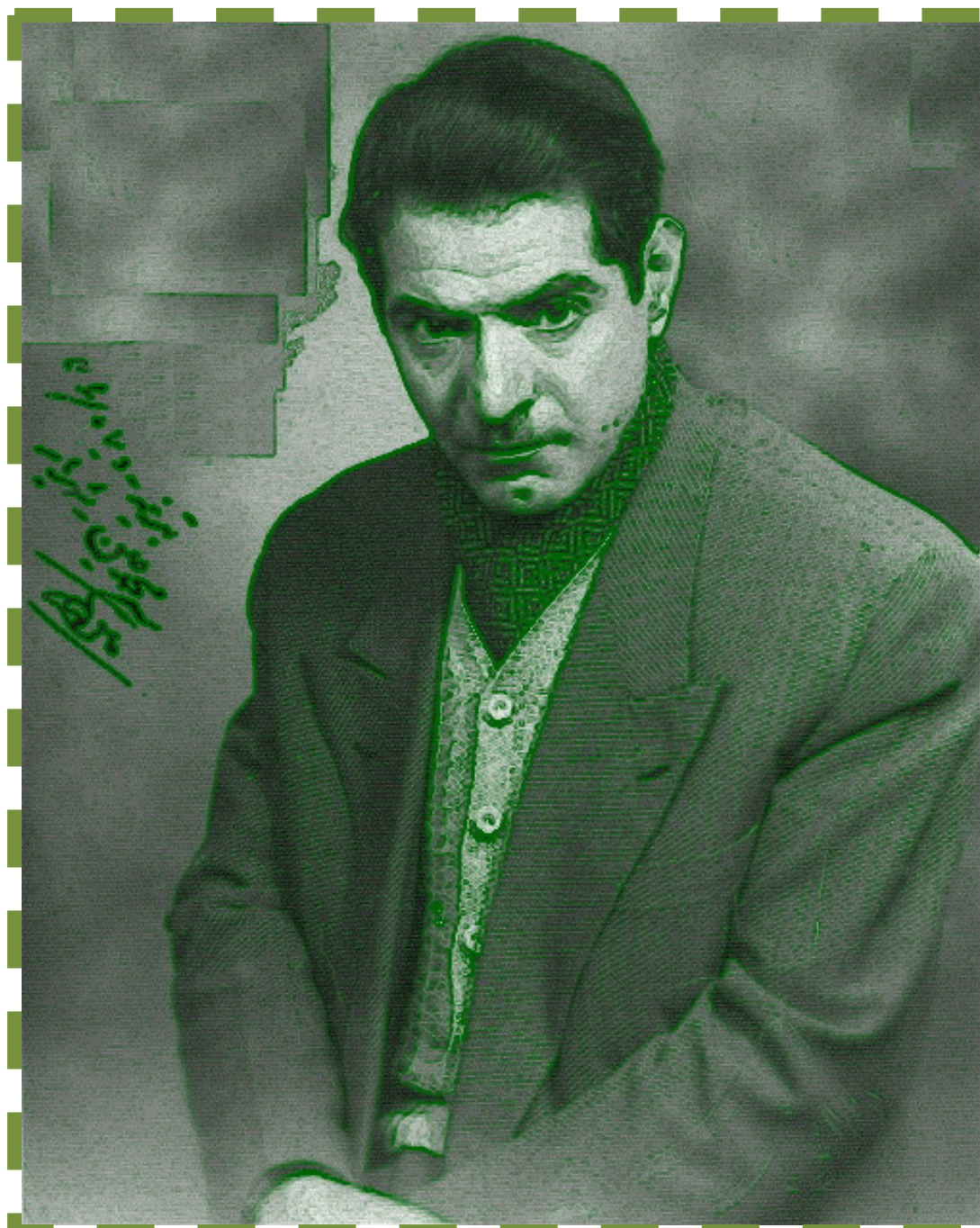
لعل، بازار نیارند بد حشانی ما

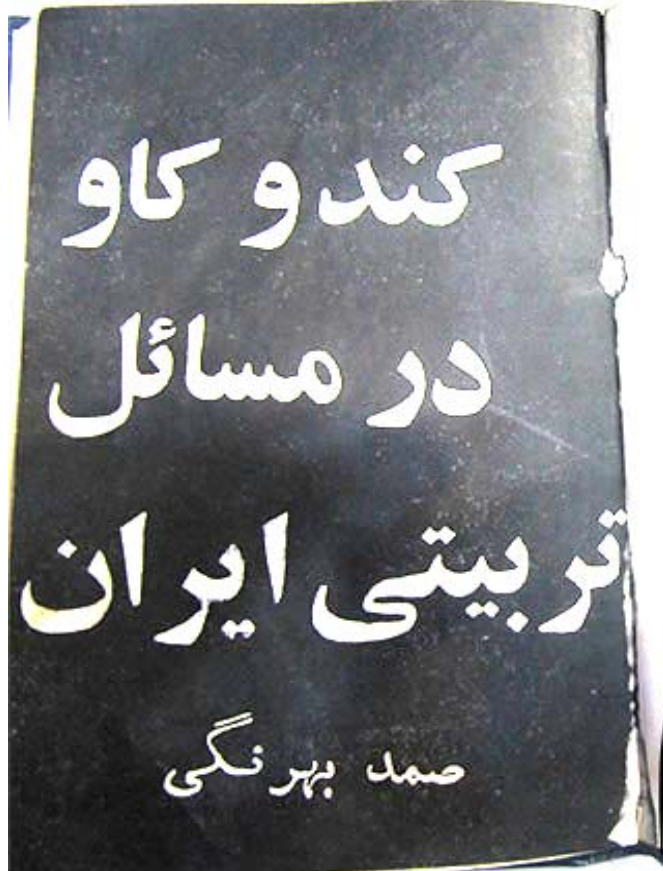
رام دیوانه شدن آمده در شان پری

تو به جزرم نشاسی ز پری شانی ما

شهریارا به درش خاک نشین افلاک اند

وین کواکب همه دلغ اند به پیشانی ما





صمد بهرنگی و مسئله دوزبانگی

(به مناسبت ۹ شهریور سال روز مرگ صمد بهرنگی)

دکتر حسن ذوالفقاری^۱

صمد بهرنگی (تیر ۱۳۱۸ - شهریور ۱۳۴۷) فقط ۲۹ سال زیست و در ارس غرق شد. صمد انسانی خودساخته بود. خودش می‌نویسد: «قارچ زاده نشدم بی پدر و مادر، اما مثل قارچ نمو کردم، ولی نه مثل قارچ زود از پا درآمدم. هر جا نمی بود، به خود کشیدم؛ کسی نشد مرا آبیاری کند. من نمو کردم... مثل درخت سنجد کج و معوج و قانع به آب کم، و شدم معلم روستاهای آذربایجان. پدرم می‌گوید: اگر ایران را میان ایرانیان تقسیم کنید، از همین بیش‌تر نصیب تو نمی‌شود.» در این عمر کم، کارهای بسیار کرد: او را مردی مبارز و سیاسی میدانیم که دائم در پیکار بود. قصه‌نویسی پرتوان بود که چندین مجموعه قصه نوشت. او عامه‌نگاری چیره‌دست هم بود که در گستره مردم‌شناسی و فرهنگ مردم^۲ آذربایجان به جمع‌آوری قصه‌های عامیانه، افسانه‌ها، بایاتی‌ها و ادبیات عامه پرداخت.

اما خصلت اصلی او معلمی بود و تمام دغدغه‌اش همین بود. او را معلمی نوآور می‌شناسیم. صمد بهرنگی پس از تحصیلات دبستان و دبیرستان در مهر

۱ عضو هیئت‌علمی دانشگاه تربیت مدرس و مدیر گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی

۲ فرهنگستان زبان و ادب فارسی، در برابر واژه بیگانه «فولکلور/folklore» با تعریف «مجموعه آداب و رسوم توده مردم و افسانه‌ها و تصنیف‌های عامیانه»، معادل «فرهنگ مردم» را تصویب کرده است.

صمد بهرنگی در دهه سی با نوشتن کتاب «کندو کاو در مسائل تربیتی ایران»، دغدغه‌های خود را درباره نظام آموزشی و ساختار تعلیمی نشان می‌دهد

موضوع این کتاب بررسی مشکلات و موانع تعلیم و تربیت کودکان روستایی و نقد نابهنجاری‌ها و شیوه‌های ناهماهنگ رایج در آموزش و پرورش وقت است

۱۳۳۴ به دانشسرای مقدماتی پسران تبریز رفت و در خرداد ۱۳۳۶ دانش‌آموخته شد. از مهر همان سال و در هجده‌سالگی آموزگار شد و تا پایان عمر در آذرشهر، ممقان، قاضی‌جهان، گوگان، و آخی‌جهان تدریس کرد. در مهر ۱۳۳۷ برای ادامه تحصیل در رشته زبان و ادبیات انگلیسی به دوره شبانه دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی دانشگاه تبریز رفت و هم‌زمان با آموزگاری، تحصیلش را تا خرداد ۱۳۴۱ و دریافت گواهی‌نامه پایان تحصیلات ادامه داد. وی معلمی خودساخته بود. «از دانشسرا که درآمدم و به روستا رفتم، یک‌باره دریافتم که تمام تعلیمات مربیان دانشسرا کشک بوده است و همه‌اش را به باد فراموشی سپردم و فهمیدم که باید خودم برای خودم فوت‌وفن معلمی را پیدا کنم و چنین نیز کردم».

صمد بهرنگی در کنار معلمی و مبارزات سیاسی و نویسندگی و مترجمی و تحقیق، از فعالان حوزه دوزبانگی هم بود. او حق آموزش کودکان دوزبانه را به رسمیت شناخت. از این بابت به کتاب‌های درسی انتقاد می‌کرد که این کتاب‌ها برای زندگی شهری و تک‌زبانه نوشته شده‌اند. وی در دهه سی با نوشتن کتاب «کندو کاو در مسائل تربیتی در ایران» دغدغه‌های خود را درباره نظام آموزشی و ساختار تعلیمی نشان می‌دهد. موضوع این کتاب بررسی مشکلات و موانع تعلیم و تربیت کودکان روستایی و نقد نابهنجاری‌ها و شیوه‌های ناهماهنگ رایج در آموزش و پرورش وقت است. وی ادبیات کودک را ابزاری نیرومند می‌داند که با کمک آن می‌توان روند آموزش را دگرگون کرد. در تمام قصه‌های بهرنگی دیدگاه آموزشی او پیداست. او که معلم مناطق دوزبانه است و دریافته که مشکل اصلی کودکان این مناطق، دوزبانه نشدن آن‌هاست، می‌کوشد مشکل این کودکان را به شکل‌های متفاوت حل کند. یک



او در زمینه دوزبانگی صاحب نظر بود. می گفت آخر چه طور می شود یک کتاب اول را هم در تهران و در آن شرایط زندگی به یک فارسی زبان درس داد و در عین حال در آذربایجان به یک بچه ترک زبان که حتی یک کلمه هم فارسی نمی داند تدریس کرد؟ معلم هر قدر هم ماهر باشد، چون خود نیز به محیطی غیر از محیط خود آشنا نیست، اشتباه می کند. در کتاب «کندوکاو در مسائل تربیتی در ایران» معتقد است واژه های گرفته شده از زبان عربی بخش بزرگی از اشتراک زبان های رایج ایرانی از جمله ترکی آذری با فارسی است؛ و به همین دلیل عدم حذف آن ها با بهانه های باستان گرایی نادرست است و باید بر این لغات در هنگام آموزش فارسی به کودکان آذربایجانی تأکید بیشتر کرد. خواندن و نوشتن را دو راه مناسب برای تمرین دوزبانگی می دانست. در سال ۱۳۴۵ با نام مستعار افشین پرویزی کتاب انشای ساده را برای کودکان دبستانی نوشت. برای افزایش سواد خواندن، پای پیاده در روستاها راه می افتاد و بچه ها را به مطالعه تشویق می کرد. اگر کسی کتابخانه ای تأسیس کرده بود او را تشویق می کرد و به مجموعه کتاب هایش، کتاب هایی می افزود. به شاگردانش توصیه می کرد کتاب بخوانند و محتوا را در جملاتی ساده برای دیگران خلاصه نویسی کنند.

مقصود از دوزبانگی تنها آموزش زبان فارسی به کودکان زبان های دیگر نیست، بلکه باید از زبان بومی هم در جهت آموزش زبان دوم کمک گرفت. بهرنگی برای تقویت فرهنگ بومی و زبان مادری راهی روستاهای دور افتاده آذربایجان می شود و قصه ها، افسانه ها، بایاتی ها، چیستان ها و بسیاری از گنجینه های نهفته در سینه مردان و زنان آذری زبان را مکتوب می کند. وی در کنار درک مسئله مهم دوزبانگی کردن کودکان آذری، به زبان مادری اش عشق می ورزید، و این تحقیقات نتیجه آن عشق است. وی بر کتاب هایی که در زمینه زبان آذری بود نقد نوشت، ترکی استامبولی را آموخت. دستور زبان آذری را نگاشت. با تألیف فرهنگ مردم زبان آذری به نام «متل ها و چیستان ها» خدمتی شایسته به زبان مادری خود کرد.

راه این کار آموختن سواد به والدین این کودکان است؛ زیرا می داند با آگاهی والدین بخش مهمی از مشکل دوزبانگی حل می شود.

یکی از راه های موفق او نگارش داستان هایی با نثری ساده و بی تکلف است. داستان های او در دهه چهل درهای ادبیات داستانی را به روی بسیاری از کودکان و نوجوانان آذری زبان و ایران گشود. چون قهرمان قصه هایش کودکان پابرهنه، بی خانمان و فقیر روستایی بود، به سرعت در کانون توجه قرار گرفت. درون مایه اغلب قصه های او برگرفته از فرهنگ و افسانه های عامه است: ۲۴ ساعت در خواب و بیداری، افسانه محبت، افسانه های آذربایجان، اولدوز و عروسک سخنگو، اولدوز و کلاغ ها، پسرک لبو فروش، پیرزن و جوجه طلایی اش، تلخون، کچل کفترباز، ماهی سیاه کوچولو و یک هلو هزار هلو.

راه دیگر او برای دوزبانگی کردن کودکان، تألیف کتاب مخصوص بود. بر اساس همین دغدغه ها بود که در سال ۱۳۴۲ کتاب «الفبای آذر» را برای مدارس آذربایجان نوشت و بنا به توصیه جلال آل احمد به «سازمان پیکار با بی سوادی» ارائه کرد و نامه ای از سوی وزارت فرهنگ مبنی بر دعوت به همکاری در مقابل حق الزحمه چشمگیر به او دادند که در نهایت به دلیل وابستگی آن به حکومت نپذیرفت. صمد با تغییراتی که قرار بود در کتاب اعمال شود با قاطعیت تمام مخالفت می کند. برادرش می گوید زمانی که از صمد علت ترک این منصب را پرسیدم، گفت نمی توانم صفحات اول کتابم را به شاه و شهبانو اختصاص بدهم. در سال ۱۳۴۶ سازمان پیکار جهانی با بی سوادی، بار دیگر صمد را برای تکمیل کتاب الفبا به تهران فرامی خواند و اتاقی را در اختیار وی قرار می دهد تا در مدت سه ماه به تحقیق و تکمیل کتاب پردازد و پول قابل توجهی هم به عنوان حق مأموریت دریافت کند. اوایل فروردین ۱۳۴۷ صمد به نیت مسئولان کمیته پی می برد و با وجود نیاز مالی شدید، از خیر آن پول کلان پیشنهادی هم می گذرد و به تبریز برمی گردد.

و خبری از ویراستار متخصص نباشد؛ بهتر این بود که ایرادات محتوایی را متوجه مرحله ویرایش متن ندانیم. در نتیجه، چهار بخش «ویرایش»، «فهرست نویسی»، «محتوا (علمی)» و «ضبط و انتساب متون» را برای بررسی این کتاب‌ها در نظر گرفته‌ایم تا قضاوت اینکه مسئولیت هر لغزش متوجه کیست، بر عهده دست‌اندرکاران تألیف و آماده‌سازی کتب باشد و بار آن را از دوش افکنده باشیم.

۱. ویرایش

اهمیت ویرایش پیش از رساندن هر متنی به خواننده، اگر بیشتر از تألیف نباشد، کمتر نیست. عدم ویرایش درست جملات، زیبایی کلام را مخدوش می‌کند و سلیقه دانش‌آموزان را به جملات آشفته عادت می‌دهد تا آنجا که در آینده شاهد نوشته‌های نافصیح آن‌ها - در هر زمینه‌ای - باشیم و زبان فارسی به‌مرور، برخی از امکانات خود را از دست بدهد.

✓ بدون ویرایش رها کردن جملات، به غلط‌های پیش‌پاافتاده‌ای منجر شده است؛ اشتباه‌هایی که نمی‌توان آن را نشانه بی‌اطلاعی ویراستاران که باید گواه خواننده نشدن متن کتاب‌ها دانست.

در جمله زیر بی‌سبب آمدن «را» باعث نارسایی جمله شده است. همین جمله در چاپ ۹۷ نیز آمده و تنها تغییری که در آن ایجاد شده است، اضافه شدن یک ویرگول بین «داشت» و «رواج» است.

«در این سبک لغاتی چون نزاکت، قالی، شیشه، پل، بخیه، سفال و ... را که تا این زمان کمتر در شعر راه داشت رواج یافته بود.» (علوم و فنون ۲ چ ۹۶، ص ۸۳؛ علوم و فنون ۲ چ ۹۷، ص ۸۱)

- در این بند، زمان افعال درست انتخاب نشده است؛ هم‌نشینی «شد» و «گردیده است» در متن شماره یک و «افتاد» و «می‌یابد» در متن شماره سه، یکدستی متن را از بین برده است. نویسندگان می‌توانستند با یکسان‌سازی زمان فعل‌ها، از ناهماهنگی بین آن‌ها بکاهند.

■ «برخی از ویژگی‌های ادبی شعر این دوره عبارت‌اند از: ۱. در شعر این دوره کاربرد غزل بیشتر شد و جایگاه «تخلص» در انتهای آن تثبیت گردیده است؛ ۲. توجه به علوم ادبی از جمله «بیان» و «بدیع» بیشتر شده است؛ ۳. شعر این دوره از دربار خارج شده؛ قصیده از رونق افتاد و غزل عارفانه و عاشقانه رواج می‌یابد.» (علوم و فنون ۲ چ ۹۶، ص ۳۹؛ علوم و فنون ۲ چ ۹۷، ص ۳۷)

■ در علوم و فنون ۱، بخشی از کلیله و دمنه آمده که عیناً نقل می‌شود: «بازرگانی بود بسیار مال و او را فرزندان در رسیدن و از کسب و حرفت اعراض نمودند و دست اسراف به مال او دراز کردند. پدر، موعظت و ملامت ایشان واجب دید و دراثنای آن گفت که: ای فرزندان، اهل دنیا، جویان سه زُبت‌اند و بدان نرسند، مگر به چهار خصلت؛ اما آن سه که

بشوی اوراق...

(نقدی بر کتاب‌های درسی زبان و ادبیات فارسی دوره دوم آموزش متوسطه)

سیدرضا موسوی هفتادری^۱

ساناز ابرازی^۲

چکیده

در این نوشتار، ساختار و محتوای کتاب‌های درسی ادبیات فارسی (دوره دوم متوسطه) از زوایای گوناگونی بررسی شده و شواهدی از لغزش‌های کتاب‌های «نگارش»، «فارسی» و «علوم و فنون» چاپ سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۷ (سه نوبت چاپ) با حفظ رسم‌الخط در چهار سطح «ویرایشی»، «فهرست نویسی»، «محتوایی (علمی)» و «ضبط و انتساب متون» ارائه شده است.

واژگان کلیدی: فارسی، نگارش، علوم و فنون، کتاب‌های درسی، آموزش و پرورش، ادبیات.

مقدمه

اهمیت کتاب‌های آموزشی مدارس - به‌ویژه کتاب‌های ادبیات فارسی - و نقش آن‌ها در تماس اولیه با ادبیات بر کسی پوشیده نیست. این کتاب‌ها باید دقیق، یکدست و با اطلاعات صحیح نوشته شده باشند تا آخرین حلقه اتصال با ادبیات نباشند.

کتاب‌های جدید زبان و ادبیات فارسی - علی‌رغم اجرای طرح تحول نظام آموزش و پرورش کشور - نه‌تنها با کیفیت بالاتری تألیف نشده، بلکه بخش‌هایی از آن‌ها، شتاب‌زده، ضعیف و غلط بوده و پس از سه نوبت چاپ، برخی از ایرادات هنوز رفع نشده‌اند.

پیش از پرداختن به متن کتاب‌ها و شواهد، تعریفی از ویرایش ارائه خواهد شد تا ایراداتی که به کتاب‌ها گرفته شده است، بی‌پشتوانه علمی نبوده باشد: «ویرایش در کلی‌ترین وجه، به معنای آماده ساختن دست‌نویس برای چاپ و انتشار است.» (اعلم، ۱۳۸۷، ص ۹)

با تکیه بر این تعریف جامع و تمام‌زیرشاخه‌های ویرایش (نک. ذوالفقاری، ۱۳۹۲، ص ۱۶ و ۱۷)، شاید تمام آنچه در این نوشتار آمده است، ذیل عنوان «ویرایش» خلاصه شود. اما نگارندگان تقسیم‌بندی دیگری را برگزیده‌اند. از آنجاکه ویرایش محتوایی و علمی در ایران، بیش از آنکه بر عهده ویراستار متخصص باشد بر ذمه مؤلف است و بعید نیست همان ویراستارانی که کتب ادبیات را بررسی کرده‌اند دستی هم بر سر کتب ریاضی و فیزیک کشیده باشند

۱ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران.

srmh.chashmara@gmail.com

۲ دانش‌آموخته کارشناسی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران.

✓ نیم‌فاصله نیز شرایط مشابهی دارد؛ گاهی کلماتی با استفاده از نیم‌فاصله نوشته شده‌اند که همان کلمات در جای دیگر، سرهم یا با یک فاصله کامل آمده‌اند و گاه درجایی که نیم‌فاصله اصلاً کاربردی نداشته، به‌اشتباه از نیم‌فاصله استفاده شده است.

طالب آن‌اند، فراخی معیشت است و رفعت منزلت، و رسیدن به ثواب آخرت؛ و آن چهار که به وسیلت آن بدین اغراض توان رسید، اَلْفَعْدَنِ مال است از وجه پسندیده و ...» (علوم و فنون ۱ چ ۹۶، ص ۵۷؛ علوم و فنون ۱ چ ۹۷، ص ۸۴)

- متن در همین‌جا ناتمام رها شده و ادامه آن یعنی «... و حسن قیام در نگاهداشت و انفاق در آنچه به صلاح معیشت و رضای اهل و توشه آخرت پیوندد و صیانت نفس از حوادث آفات آن قدر که در امکان آید.» (نصرالله منشی، ۲۵۳۵، ص ۵۹)، حذف شده است. بررسی یکپارچگی و رسایی متن جزئی از ویرایش است که به آن توجهی نشده و ناقص رها کردن متن به محتوا آسیب رسانده است. این در حالی است که ادامه آن چندان گنگ یا طولانی نبوده و حذف آن، در ذهن دانش‌آموزان این سؤال را برمی‌انگیزد که سه وسیله دیگر چه بوده است؟

■ در سؤالی از دانش‌آموزان خواسته شده بود نقش دستوری اجزای مشخص‌شده یک جمله را بنویسند؛ اما هیچ بخشی در آن جمله مشخص نشده بود (فارسی ۱ چ ۹۵ و ۹۶، ص ۱۳۸). این ایراد در چاپ ۹۶ برطرف شد اما همین اشتباه، در همان سال به چاپ اول فارسی ۲ سرایت کرد و در متن سؤال «در عبارت‌های زیر، مقصود از قسمت‌های مشخص‌شده چیست؟»، در هیچ‌کدام از سه گزینه سؤال، بخش مشخص‌شده‌ای وجود نداشت (فارسی ۲ چ ۹۶، ص ۶۱؛ فارسی ۲ چ ۹۷، ص ۶۴). این اشتباه در چاپ ۹۷ فارسی ۲ اصلاح شده اما اشتباه مشابهی که در چاپ ۹۶ علوم و فنون ۱ وجود داشت، در چاپ ۹۷ بدون تغییر رها شده است.

✓ مسئله دیگری که باید ذیل عنوان «ویرایش» به آن پرداخته شود، رسم‌الخط است.

- مؤلفان و ویراستاران کتب درسی، روش یکسانی را در دستور خط و اعمال تشدید دنبال نکرده‌اند؛ تا جایی که شکل نوشتاری کلمات، حتی در دو موضع از یک کتاب، متفاوت است.

توضیحات	با نیم‌فاصله	با یک فاصله کامل	بدون فاصله
یک کلمه با دو رسم‌الخط متفاوت	رنگین‌کمان (نگارش ۲ چ ۹۶ و ۹۷، ص ۱۸)	رنگین کمان (نگارش ۲ چ ۹۶ و ۹۷، ص ۱۷؛ نگارش ۲ چ ۹۶ و ۹۷، ص ۲۳)	-
یک کلمه با دو رسم‌الخط متفاوت	باران‌خورده (نگارش ۲ چ ۹۶ و ۹۷، ص ۹۶؛ نگارش ۲ چ ۹۶ و ۹۷، ص ۲۳)	باران خورده (نگارش ۲ چ ۹۶ و ۹۷، ص ۱۷)	-
یک کلمه با دو رسم‌الخط متفاوت در تکرار یک عبارت واحد	-	جامانده (نگارش ۲ چ ۹۶ و ۹۷، ص ۹۴)	چ ۹۶ و ۹۷، ص ۹۰

جدول ۲ - آشفتگی در حروف‌نگاری نیم‌فاصله

بحث اصلی ضرورت استفاده از نیم‌فاصله و تشدید نیست؛ بلکه ناهماهنگی در کاربرد آن‌هاست. اگر تصمیم بر اعمال نیم‌فاصله و تشدید در کتب درسی است، همه‌جا استفاده شود و اگر تصمیم بر چیزی جز آن است، تشدید و نیم‌فاصله‌ای به کار نرود. باتوجه‌به اینکه کتاب‌های حوزه ادبیات، نقش انکارناپذیری در شکل‌دهی املائی دانش‌آموزان دارند، این ناهماهنگی در استفاده از تشدید و نیم‌فاصله در کتاب‌های درسی، به سردرگمی دانش‌آموزان و آشفتگی املائی فارسی خواهد انجامید.

✓ این بی‌توجهی به فاصله بین کلمات، تنها به ناهماهنگی در رسم‌الخط ختم نمی‌شود و عدم بررسی دوباره حروف‌نگاری اشتباهاتی را در فاصله‌گذاری به جا گذاشته است.

توضیحات	با تشدید	بدون تشدید
یک کلمه با دو رسم‌الخط متفاوت	اول (علوم و فنون ۳ چ ۹۷، ص ۱۰۱)	اول (علوم و فنون ۳ چ ۹۷، ص ۵۹)
یک کلمه با دو رسم‌الخط متفاوت	ملی (علوم و فنون ۳ چ ۹۷، ص ۷۵)	ملی (علوم و فنون ۳ چ ۹۷، ص ۷۳)
یک کلمه با دو رسم‌الخط متفاوت	دقت (علوم و فنون ۲ چ ۹۶، ص ۴۶؛ علوم و فنون ۲ چ ۹۷، ص ۶۵)	دقت (علوم و فنون ۲ چ ۹۶، ص ۹۶؛ علوم و فنون ۲ چ ۹۷، ص ۶۰)

جدول ۱ - آشفتگی در حروف‌نگاری تشدید

۹۷ اصلاح شده، اما باز این ایراد پابرجاست که چرا به موارد دیگر این دست اشتباهات (از جمله مصراع سعدی) توجهی نشده است.

✓ حال به بررسی علائم سجاوندی می‌پردازیم. طبق اصول حروف‌نگاری، بعد از علائم سجاوندی، باید فاصله اعمال شود و قبل از آن‌ها هیچ فاصله‌ای نباشد. این قاعده در این کتاب‌ها در موارد بسیاری رعایت نشده است و این از اصلی‌ترین مشکلات بصری کتاب‌هاست:

یکی از جایگاه‌هایی که استفاده از نیم‌فاصله نمود می‌یابد، تایپ پیشوند فعلی «می» است. ظاهراً اصراری بر استفاده از نیم‌فاصله پس از «می» وجود داشته و تشخیص مصادیق هم به رایانه واگذار شده است. زیرا در مواضعی که اصلاً نیازی به نیم‌فاصله بعد از «می» نبوده، نیم‌فاصله به کار رفته است.

«زندگی به آدمی می‌آموزد که...» (نگارش ۲ چ ۹۶ و ۹۷ ص ۶۱)	«... زبان رسمی و ادبی در دربار...» (نگارش ۲ چ ۹۶ و ۹۷ ص ۱۰۶ و ۱۰۸)
«نجات نفس محترمی متوقف بر...» (نگارش ۲ چ ۹۶ و ۹۷ ص ۱۱۲)	«زبان رسمی و رایج عربی...» (علوم و فنون ۲ چ ۹۶ و ۹۷ ص ۱۳)
«به پیروی از پنج گنج نظامی سروده...» (علوم و فنون ۲ چ ۹۶ و ۹۷ ص ۱۶)	«... داستان‌های نظامی سروده شده است.» (علوم و فنون ۲ چ ۹۶ و ۹۷ ص ۱۷)
«... و نظمی را که در صدای...» (علوم و فنون ۲ چ ۹۶ ص ۲۱؛ علوم و فنون ۲ چ ۹۷ ص ۲۰)	«... مراسم قدیمی و دیدنی گلاب‌گیران...» (نگارش ۲ چ ۹۶ ص ۴۵)

جدول ۳ - اشتباه در حروف‌نگاری نیم‌فاصله پس از «می»

- از بین این موارد، تنها جمله‌ای که در چاپ ۹۷ اصلاح شده، «... مراسم قدیمی و دیدنی گلاب‌گیران...» است که به صورت «... مراسم دیدنی گلاب‌گیران...» آمده است. یعنی «قدیمی» و «و» حذف شده‌اند و این گونه جمله ایراد قبل را ندارد (نگارش ۲ چ ۹۷ ص ۴۵). در باقی موارد، مشکل نیم‌فاصله همچنان باقی است.

■ گاه میان حروف یک کلمه فاصله ایجاد شده است؛ دقیقاً در یک صفحه - کلمه «درباره» دو بار به صورت «در باره» و یک بار به شکل «درباره» آمده است (نگارش ۱ چ ۹۶ و ۹۷ ص ۲۸). کلمه «برگستوان» به شکل «بر گستوان» آمده (فارسی ۲ چ ۹۶ ص ۱۰۱؛ فارسی ۲ چ ۹۷ ص ۱۰۵) و کلمه «سرآمد» به شکل «سر آمد» نوشته شده است (نگارش ۱ چ ۹۶ ص ۶۲؛ نگارش ۱ چ ۹۷ ص ۶۳).

■ در مواضعی، دو کلمه که باید با فاصله نوشته می‌شدند، به هم چسبیده‌اند؛ مصراع‌ی از سعدی به شکل «گرت زدست برآید چو نخل باش، کریم» (علوم و فنون ۲ چ ۹۶ ص ۳۰؛ علوم و فنون ۲ چ ۹۷ ص ۲۸) و مصراع‌ی از موسوی گرمارودی به صورت «فرو نشسته در آن ناوک صنوبر وغان» (علوم و فنون ۲ چ ۹۶ ص ۳۴؛ علوم و فنون ۲ چ ۹۷ ص ۳۲) ضبط شده است. در مصراع سعدی بین «ز» و «دست» و در مصراع گرمارودی بین «و» و «غان» باید فاصله ایجاد می‌شد تا مرز کلمات مشخص شود.^۱ این فاصله‌گذاری در مصراع موسوی گرمارودی در چاپ

فاصله علائم سجاوندی با کلمه قبل از خود	چسبیدن علائم سجاوندی به کلمه بعد از خود
«ایران، با همت جوانان مؤمن و انقلابی، به این فناوری علمی دست یافت تا از کارکردهای علمی آن بهره گیرد.» (نگارش ۱ چ ۹۷ ص ۴۹)	«عده‌ای هم اعتقاد دارند، بهرام گور، پادشاه ساسانی، اولین شعر فارسی را در گفت‌وگویی عاشقانه با همسرش دلارام، سروده است.» (نگارش ۱ چ ۹۷ ص ۷۸)
«در وقت فراغ موافقت اولی تر، و إلا طاعنان مجال و قیعت یابند» (فارسی ۲ چ ۹۷ ص ۱۲۴)	«برای هر یک از ویژگی‌های شعر حماسی، نمونه‌ای از متن درس انتخاب کنید.» (فارسی ۲ چ ۹۷ ص ۱۰۶)
«هرچند شاهان صفوی در ترویج و نفوذ زبان ترکی در ایران نقش بسزایی داشتند؛ اما کم‌وبیش به زبان فارسی نیز کتاب نوشته یا شعر گفته‌اند...» (علوم و فنون ۲ چ ۹۷ ص ۵۹)	«در اندیشه ادیبان این دوره، صنایع ادبی جای تعمق و تفکر را گرفت؛ اما چون استعدادهای بزرگی در این عرصه ندرخشیدند...» (علوم و فنون ۲ چ ۹۷ ص ۳۹)

جدول ۴ - فواصل اشتباه بین علائم سجاوندی با کلمات پیش یا پس از خود.

بی‌توجهی و ایراستاران به علائم سجاوندی تنها به رعایت فاصله پیش و پس از آن‌ها محدود نمی‌شود. در بسیاری از جملات این کتاب‌ها، علائم سجاوندی نادرست انتخاب شده‌اند یا در استفاده از آن‌ها زیاده‌روی شده است.

✓ یکی از اشتباهات رایج این کتاب‌ها در استفاده از علائم سجاوندی، استفاده بی‌جا و گاه غلط از نقطه‌ویرگول به جای نقطه پایانی است.^۲

■ «... جان ما را صفای خود ده؛ و دل ما را هوای خود ده؛ و چشم ما را ضیای خود ده؛ و ما را آن ده که آن به؛ و مگذار ما را به که و مه.» (علوم و فنون ۱ چ ۹۶ ص ۵۶ و ۵۷؛ علوم و فنون ۱ چ ۹۷ ص ۸۳)

■ «... و آن پنجم شهریور قدیم بود؛ شهری آبادان؛ مرا حکایت کردند که بدین شهر زلزله افتاد. بعضی از شهر خراب شده بود و بعضی دیگر را

۲ اگرچه «اجزای وابسته به یک موضوع کلی، هرگاه به صورت جمله‌های متعدد ظاهراً مستقل بیان شود، بین آن‌ها نقطه‌ویرگول می‌آید... چنانچه به کار بستن قواعد نقطه‌ویرگول باعث شود در بین جمله‌های یک پاراگراف نسبتاً طولانی به صورت پشت سر هم و مکرر نقطه‌ویرگول قرار بگیرد، بهتر است در پایان جمله‌های اصلی‌تر از نقطه استفاده شود.» (غلامحسین زاده، ۱۳۷۹، ص ۴۱ و ۴۲).

۱ «کلمه معمولاً استقلال املائی دارد یعنی هر کلمه‌ای از طرفی جدا از کلمه دیگر نوشته می‌شود و از طرف دیگر اجزای هر کلمه علی‌القاعده سرهم نیز هست.» (فرشیدورد، ۱۳۸۲، ص ۱۵۹)

یکی از جنبه‌های زیبایی این بیت، ایهام عبارت «دور از او» در مصراع دوم است که با این شیوه علامت‌گذاری، آن را از بین برده‌اند و معنای مضحکی هم به آن افزوده‌اند که نیشِ دوردرازی از جانب او در استخوانم می‌رود! بیفزایید که با ویرگول زیبایی نیم‌مصراع‌هایی که سعدی با رعایت قافیه و ردیف میانی ساخته است، از چشم می‌افتد و با مکثی که ایجاد شده است، وزن شعر هم مخدوش می‌شود. البته این ایراد در چاپ جدید اصلاح شده است.

۲. فهرست‌نویسی

نویسندگان برای فهرست‌نویسی این کتاب‌ها شیوه واحدی را در نظر نداشته‌اند و فهرست‌های این کتب هم از خطا و بی‌دقتی مصون مانده است. ✓ برای برخی از کتاب‌ها هیچ اشاره‌ای به نوبت چاپ، سال چاپ، مکان چاپ، تعداد جلد و حتی مصحح یا ناشر کتاب نشده است؛ درحالی‌که ظاهراً شیوه منتخب نویسندگان، این اطلاعات را در برمی‌گرفته چراکه برای برخی از منابع از ذکر آن‌ها دریغ نکرده‌اند.

کتاب‌نامه	کتاب	نویسنده / مصحح	ایراد فهرست‌نگاری
علوم و فنون ۱ (علوم و فنون ۱ چ ۹۶، ص ۱۲۶ - ۱۲۴؛ علوم و فنون ۱ چ ۹۷، ص ۱۱۰ - ۱۰۸)	الهی‌نامه	محمد رضا شفیعی کدکنی	عدم اشاره به ناشر، سال و نوبت چاپ
علوم و فنون ۲ (علوم و فنون ۲ چ ۹۶، ص ۱۱۲ - ۱۱۱؛ علوم و فنون ۲ چ ۹۷، ص ۱۰۹ و ۱۱۰)	سبک‌شناسی (تاریخ‌تطور نشر فارسی)	محمد تقی بهار	عدم اشاره به سال چاپ
علوم و فنون ۱ (علوم و فنون ۱ چ ۹۶، ص ۱۲۶ - ۱۲۴؛ علوم و فنون ۱ چ ۹۷، ص ۱۱۰ - ۱۰۸)	دیوان اشعار انوری	نامشخص	عدم اشاره به مصحح، ناشر، سال و نوبت چاپ و ارجاع به صورت: «دیوان اشعار، انوری ابیوردی،» ^۲

جدول ۵ - کاستی‌های فهرست‌نویسی

۲ ویرگول در انتهای ارجاع در چاپ قدیم ظاهراً نشانه قصد تکمیل آن بوده است. اما همین ایراد در چاپ جدید نیز وجود دارد؛ با این تفاوت که ارجاع به صورت «دیوان اشعار، انوری ابیوردی.» آمده است. (یعنی ویراستارانی، متن را دیده و ویرگول را به نقطه تبدیل کرده‌اند، اما توجهی به نقص فاحش منبع نشان نداده‌اند.)

آسیبی نرسیده بود و گفتند چهل هزار آدمی هلاک شده بودند؛ و در تبریز، «قطران» نام، شاعری را دیدم؛ شعری نیک می‌گفت؛ اما زبان فارسی نیکو نمی‌دانست؛ پیش من آمد؛ دیوان مُنجیک و دیوان دقیقی بیاورد...» (علوم و فنون ۱ چ ۹۶، ص ۵۲؛ علوم و فنون ۱ چ ۹۷، ص ۶۶)

■ «باتوجه به توضیحی که در معرفی شعر نیما داشته‌ایم؛ تساوی رکن‌ها در آن رعایت نمی‌شود؛ بنابراین تعداد ارکان در مصراع‌ها برابر نیست.» (علوم و فنون ۳ چ ۹۷، ص ۱۰۸)

■ «تلمیح نیز در مضمون‌سازی نقش فعالی دارد؛ (البته تلمیحات رایج نه تلمیحات غریب و نادر).» (علوم و فنون ۲ چ ۹۶، ص ۸۴؛ علوم و فنون ۲ چ ۹۷، ص ۸۲)

- در مثال‌های بالا، استفاده از نقطه‌ویرگول هیچ مزیتی بر نقطه پایانی ندارد و تنها ذهن دانش‌آموزان را درگیر می‌کند تا جمله را تمام‌شده ندانند و سعی کنند تا ربطی میان جملات برقرار کنند.

✓ گاه در استفاده از ویرگول هم زیاده‌روی شده است:

■ «... و نوعی تداوم و تکرار منظم را به چشم و گوش شنونده، می‌رسانند، که معمولاً، گوش‌نواز و دلنشین‌اند.» (علوم و فنون ۲ چ ۹۶، ص ۲۱؛ علوم و فنون ۲ چ ۹۷، ص ۲۰)

- در این مثال، نیازی به استفاده ویرگول بعد از «شنونده» نیست. هیچ خوانش دیگری برای این جمله متصور نیست و بدون ویرگول هم، جمله فقط به یک شکل خوانده می‌شود. بر این بیفزایید که استفاده ویرگول پیش از حرف ربط «که» نه تنها اضافه، بلکه غلط است.^۱ ویرگول بعد از «معمولاً» هم هیچ احتمالی را نفی نمی‌کند چراکه فقط یک روش برای خواندن این قید و کلمه پس‌از آن ممکن است. اگر قصد نویسندگان تأکید بر قید «معمولاً» برای اجتناب از صدور یک قاعده همیشه‌گی است، بهتر بود عبارت «که معمولاً» بین دو خط تیره و به صورت جمله معترضه نوشته شود.

✓ اهمیت انتخاب درست این علائم آنجا بیشتر می‌شود که گاه، کم‌دقتی در استفاده از علائم سجاوندی، بر ارزش ادبی و زیبایی متون نیز اثر می‌گذارند.

■ در علوم و فنون ۲، بیتی از سعدی چنین نقل شده است:

«من مانده‌ام مهجور از او، در مانده و رنجور از او/ گویی که نیشی دور، از او در استخوانم می‌رود» (علوم و فنون ۲ چ ۹۶، ص ۲۲؛ علوم و فنون ۲ چ ۹۷، ص ۲۱)

۱ «در موارد زیر هیچ‌گاه از ویرگول استفاده نکنید: ... ۲. قبل از «و»، «یا»، «سپس»، «پس»، «که» و کلمات عطف و فعل» (ذوالفقاری، ۱۳۹۲، ص ۳۰ و ۳۱).

✓ جز کاستی‌ها، اشتباهات دیگری هم به فهرست‌ها راه پیدا کرده است:

انتخاب می‌شود، مؤلفان در برابر چگونگی نقل کردن آن مسئول‌اند و در اینجا هم این چندی و چونی بررسی شده است.

✓ بی‌دقتی در ترتیب آموزش مباحث علمی، گاه باعث نارسایی مطالب شده است. برای نمونه می‌توان به بخش «موسیقی شعر» در کتاب‌های علوم و فنون ۱ و ۲ - که به آموزش عروض فارسی اختصاص دارد - اشاره کرد.

■ در علوم و فنون ۱، درباره هم‌وزنی دو مصراع یا بیت، این‌گونه گفته‌اند که: «... باید بدانیم که دو مصراع یا بیت، زمانی هم‌وزن‌اند که: الف) تعداد هجاهای آن‌ها باهم برابر باشد. ب) هجاهای کوتاه و بلند آن‌ها در مقابل یکدیگر قرار گیرد» (علوم و فنون ۱ چ ۹۶، ص ۷۶؛ علوم و فنون ۱ چ ۹۷، ص ۴۹)

- این توضیح، همیشه هم صحیح نیست. هنگام استفاده از «اختیارات»^۳ ترتیب تقابل هجاها یا تعداد آن‌ها به هم می‌ریزد^۴ و تنها اشاره کتاب‌های علوم و فنون ۱ و ۲ به این موضوع، یک پاورقی در علوم و فنون ۲ است که آن‌ها به مناسبت تقطیع بیتی از مولوی^۵ آمده است (علوم و فنون ۲ چ ۹۶، ص ۴۵؛ علوم و فنون ۲ چ ۹۷، ص ۴۳). مشکل این است که در فاصله توضیح هم‌وزنی (علوم و فنون ۱ چ ۹۶ و ۹۷، ص ۷۶) تا اشاره به مسئله اختیارات وزنی (علوم و فنون ۲ چ ۹۶ و ۹۷، ص ۴۵)، ابیاتی آمده که در آن‌ها نوع هجاهای دو مصراع تطابق ندارد و هجای کوتاه باید به هجای بلند تبدیل شود. در چاپ قدیم کتاب، در بیست بیت (جمعاً سی و یک مورد) و در چاپ جدید، در سیزده بیت (جمعاً بیست مورد) از اختیارات وزنی استفاده شده است. یعنی بارها دانش‌آموز با حالتی مواجه می‌شود که برای تقطیع درست بیت و تشخیص وزن، باید از اختیارات استفاده کند؛ ولی توضیحی درباره اختیارات وزنی در این دو کتاب وجود ندارد. فهرست ابیات مشترک هر دو چاپ در ادامه می‌آید. (زیر هجاهای کوتاهی که باید بلند در نظر گرفته شوند، خط کشیده شده است.)

کتاب‌نامه	کتاب	نویسنده / مصحح	ایراد فهرست‌نگاری
نگارش ۲ (نگارش ۲ چ ۹۶ و ۹۷، ص ۱۲۵ و ۱۲۶)	تاریخ ادبیات در ایران	ذبیح‌الله صفا	ارجاع غلط به صورت: «جلد ۱. (جلد چهارم)» ^۱
علوم و فنون ۲ (علوم و فنون ۲ چ ۹۶، ص ۱۱۱ و ۱۱۲؛ علوم و فنون ۲ چ ۹۷، ص ۱۰۹ و ۱۱۰)	دیوان خاقانی ^۲ موسیقی شعر	ضیاءالدین سجادی محمد رضا شفیع کدکنی	دو بار ارجاع به یک کتاب
فارسی ۲ (فارسی ۲ چ ۹۶، ص ۱۶۴ و ۱۶۵؛ فارسی ۲ چ ۹۷، ص ۱۷۳ - ۱۷۰)	بهارستان (فارسی ۲ چ ۹۶ و ۹۷، ص ۱۶) جوامع الحکایات و لوامع الروایات (فارسی ۲ چ ۹۶، ص ۱۲۱؛ فارسی ۲ چ ۹۷، ص ۱۲۵)	جامی عوفی	نقل متن در کتاب و عدم ارجاع آن

جدول ۶ - ایرادات فهرست‌نویسی

✓ نویسندگان و ویراستاران کتاب‌ها، فهرست‌ها را از نظر حروف الفبا نیز مرتب نکرده‌اند؛ این ناهماهنگی، روند یافتن منابع را سخت‌تر می‌کند (نک: فارسی ۱ چ ۹۷، ص ۱۶۷ - ۱۶۴، نگارش ۱ چ ۹۶ و ۹۷، ص ۱۲۷ - ۱۲۵، علوم و فنون ۱ چ ۹۷، ص ۱۱۰ - ۱۰۸، علوم و فنون ۲ چ ۹۷، ص ۱۰۹ و ۱۱۰، نگارش ۲ چ ۹۶ و ۹۷، ص ۱۲۵ و ۱۲۶، فارسی ۲ چ ۹۷، ص ۱۷۳ - ۱۷۰)

۳. محتوا (علمی)

اگر با تسامح بتوان چشم بر ایرادات ویرایشی (نه آنجا که به غلط ختم شده‌اند) بست، نمی‌توان کوتاهی در محتوا را بر مؤلفان بخشید. قضاوت درباره نفس بودن یا نبودن موضوع یا متنی در این کتاب‌ها در حوصله این نوشتار نیست و بررسی آن هم‌کاری علوم مختلفی چون روان‌شناسی و آموزش را می‌طلبد. اما از لحظه‌ای که متن یا موضوعی برای نقل در کتاب

۱ آنچه در این کتاب از تاریخ ادبیات در ایران آمده، متنی درباره یعقوب لیث است که از فصل چهارم جلد اول این کتاب برداشته شده است. نک. صفا، ۱۳۶۹، ص ۱۶۴ و ۱۶۵.
۲ یک‌بار به صورت «دیوان اشعار خاقانی شروانی، به کوشش ضیاءالدین سجادی، زوار، تهران، ۱۳۵۷» و بار دیگر به شکل «دیوان خاقانی، تصحیح ضیاءالدین سجادی، زوار، تهران، ۱۳۶۹».

۳ «غرض از اختیارات شاعری مواردی است که شاعر می‌تواند، به دلخواه خود، در کمیت هجایی مصراع یا کلمات آن مداخله کند مشروط بر اینکه این مداخله موجب تغییر بحر شعر نشود.» (نجفی، ۱۳۹۴، ص ۲۵).

۴ «دو مصراع هر بیت، و همه بیت‌های یک قطعه شعر، از حیث تعداد و ترتیب کمیت‌های کوتاه و بلندشان، نظیر به نظیر همانند یکدیگرند، اما در مواردی بی‌آنکه وزن شعر به هم بخورد از این قاعده کلی عدول می‌شود و کمیت‌ها در وضع قراردادی خودشان ظاهر نمی‌شوند یا در دو مصراع یک بیت از کمیت‌های قرینه نامساوی استفاده می‌شود.» (نجفی، ۱۳۹۵، ص ۲۰).

۵ «درین درگاه بی‌چونی، همه لطف است و موزونی / چه صحرايي، چه خضرايي، چه درگاهي، نمی‌دانم.» پاورقی کتاب در توضیح اختیار همین بیت هم در چاپ ۹۶ به لحاظ علمی ایرادی فاحش داشت که در چاپ جدید اصلاح شد.

علوم و فنون ۱ چ ۹۶، ص ۷۸؛ علوم و فنون ۱ چ ۹۷، ص ۵۱	ای ز چشمه نوشت، چشم دل چراغانی»	«خلوتم چراغان کن، ای چراغ روحانی
علوم و فنون ۱ چ ۹۶، ص ۹۴؛ علوم و فنون ۱ چ ۹۷، ص ۲۳	کجا دانند حال ما سبکباران ساحل‌ها؟»	«شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین هایل
علوم و فنون ۲ چ ۹۶، ص ۲۲؛ علوم و فنون ۲ چ ۹۷، ص ۲۱	کز عشق آن سرو روان گویی روانم می‌رود»	«محمل بدار ای ساربان تندی مکن با کاروان
علوم و فنون ۲ چ ۹۶، ص ۲۳؛ علوم و فنون ۲ چ ۹۷، ص ۲۲	ازین باد ار مدد خواهی چراغ دل برافروزی»	«ز کوی یار می‌آید نسیم باد نروزی
علوم و فنون ۲ چ ۹۶، ص ۲۵؛ علوم و فنون ۲ چ ۹۷، ص ۲۴	چشم بینا جان آگاه و دل بیدار ده»	«یارب از عرفان مرا پیمان‌های {پیمان‌های} سرشار ده
علوم و فنون ۲ چ ۹۶، ص ۲۶؛ علوم و فنون ۲ چ ۹۷، ص ۲۴	که دردت مرهم جان می‌نماید»	«مرا گه‌گه به دردی یاد می‌کن
علوم و فنون ۲ چ ۹۶، ص ۲۶؛ علوم و فنون ۲ چ ۹۷، ص ۲۴	کی طمع در گردش گیتی دون‌پرور کنم؟»	«من که دارم در گدایی گنج سلطانی به دست
علوم و فنون ۲ چ ۹۶، ص ۳۵؛ علوم و فنون ۲ چ ۹۷، ص ۳۳	جهان چون شب و تیغ‌ها چون چراغ»	«چو دریای خون شد همه دشت و راغ
علوم و فنون ۲ چ ۹۶، ص ۳۶؛ علوم و فنون ۲ چ ۹۷، ص ۳۴	شیخ نی‌ام، پیش نی‌ام، امر تو را بنده شدم»	«گفت که شیخی و سری پیشرو و راهبری
علوم و فنون ۲ چ ۹۶، ص ۳۶؛ علوم و فنون ۲ چ ۹۷، ص ۳۴	در هوس بال و پرش بی‌پر و پرکنده شدم»	«گفت که با بال و پری، من پروبالت ندهم
علوم و فنون ۲ چ ۹۶، ص ۳۶؛ علوم و فنون ۲ چ ۹۷، ص ۳۴	چون که زدی بر سر من، پست و گدازنده شدم»	«چشمه خورشید تویی، سایه‌گه بید منم
علوم و فنون ۲ چ ۹۶، ص ۳۶؛ علوم و فنون ۲ چ ۹۷، ص ۳۴	کز کرم و بخشش او روشن و بخشنده شدم»	«شکر کند چرخ فلک، از ملک و ملک و ملک
علوم و فنون ۲ چ ۹۶، ص ۳۶؛ علوم و فنون ۲ چ ۹۷، ص ۳۴	بر زیر هفت طبق اختر رخشنده شدم»	«شکر کند عارف حق کز همه بردیم سبق

جدول ۷ - ابیات دارای اختیارات عروضی در فاصله توضیح هم‌وزنی و اشاره به موضوع اختیارات در یک پاورقی.

- در نگارش ۲، در جدولی برای نمونه خلاصه‌برداری از درس تاریخ ادبیات، این عبارات دیده می‌شود: «کلیات سعدی، (بوستان و گلستان)» (نگارش ۲ چ ۹۶ و ۹۷، ص ۱۱۵)
- گذشته از ایرادی که درباره علامت ویرگول در این عبارت وجود دارد - که در بخش ویرایش بررسی شد - اکتفا به ذکر گلستان و بوستان در کلیات سعدی، از نظر محتوایی سهوی مشخص است که باید اصلاح شود. اگر هم خطا را متوجه علامت پرانتز بدانیم - و نه ویرگول - همچنان خطای علمی آن واضح است چراکه بوستان و گلستان از کلیات سعدی جدا نیستند که نیازی به نام بردن دوباره آن‌ها باشد.
- در نگارش ۲، جمله‌ای درباره داستان سپیددندان آمده که: «گاه شخصیت‌ها می‌توانند حیوان باشند مانند داستان «سپید دندان» که از زبان سگی با همین نام روایت شده است.» (نگارش ۲ چ ۹۶ و ۹۷، ص ۵۵)
- داستان سپیددندان «از زبان» سپیددندان روایت نشده است، بلکه موضوع داستان، شرح زندگی این سگ و زاویه دید داستان، سوم‌شخص است (نک. لندن، ۱۳۷۱). پس جمله «از زبان سگی با همین نام روایت شده است» اشتباه است.
- در علوم و فنون ۱، در صفحاتی که آغاز سخن درباره کلیات سبک‌شناسی است، این جملات آمده است: «بر اساس نظریه ارسطو، فیلسوف بزرگ یونانی، طبقه‌بندی زیر را برای شعر این دوره می‌توان در نظر گرفت: بر اساس نام شاعر یا نویسنده؛ مانند سبک فردوسی، سبک بیهقی؛ بر اساس زمان و دوره اثر؛ مانند سبک دوره غزنوی، دوره مشروطه؛ بر اساس موضوع و نوع؛ مانند سبک عرفانی، سبک حماسی؛ بر اساس محیط جغرافیایی؛ مانند سبک آذربایجانی و سبک خراسانی؛

- برای نمونه در بیت اول، پنجمین هجا از مصراع دوم، یک هجای کوتاه است که با هجای پنجم از مصراع اول، سازگار نیست و هجای پنجم مصراع دوم باید - بر اساس اختیارات عروضی - به یک هجای بلند تبدیل شود تا وزن، اشکالی نداشته باشد.
- اگر نیازی به اشاره به اختیارات نبوده است، دلیل آوردن ابیاتی که از این اختیارات استفاده کرده‌اند، چیست؟ آیا ممکن نبود ابیاتی در متن یا تمرین درس‌ها آورده شود که در آن‌ها از اختیارات وزنی استفاده نشده باشد؟ اگر هم آوردن این ابیات به قصد آموزش اختیارات به دانش‌آموزان بوده است، دلیل چشم‌پوشی از توضیح این اختیارات و اکتفا به یک توضیح مختصر - آن‌هم در پاورقی (علوم و فنون ۲ چ ۹۶، ص ۴۵؛ علوم و فنون ۲ چ ۹۷، ص ۴۳) - چیست؟
- در علوم و فنون ۳، ذیل اختیار «قلب»، این توضیحات آمده است: «کاربرد این قابلیت وزنی بسیار کم است و تنها در (مفتعلن - UU) و مفاعلن (U - U) رخ می‌دهد.» (علوم و فنون ۳ چ ۹۷، ص ۸۶)
- علاوه بر سهو ویرایشی در قرار دادن «مفتعلن» داخل پرانتز اول، این جمله از نظر محتوایی نیز ناقص است. ابوالحسن نجفی می‌گوید: «امروزه استفاده از این «قاعده» فقط در وزن رباعی همچنان متداول است.» (نجفی، ۱۳۹۴، ص ۱۰۷). و این حرف با ادعای کتاب در کم بودن کاربرد این اختیار مغایر است. از طرف دیگر، قلب صرفاً به «مفتعلن» و «مفاعلن» محدود نمی‌شود؛ مواردی نیز از تبدیل «مفاعلن» (U - U) به «مفاعیل» (U - - U) یا برعکس آن، وجود دارد. (نک. سمیعی گیلانی، ۱۳۷۷، ص ۱۰)



تصویر ۱ - دو طبقه‌بندی در درس سبک خراسانی؛ یکی بر اساس نظریه ارسطو و دیگری برپایه طبقه‌بندی بهار برای نثر فارسی؛

صفحات ۶۰ و ۶۱ علوم و فنون ۱.

به تناسب مخاطب؛ مانند سبک عامیانه، سبک عالمانه؛

بر اساس هدف؛ مانند سبک تعلیمی، سبک فکاهی؛

بر اساس قلمرو دانشی؛ مانند علمی، فلسفی (علوم و فنون ۱ چ ۹۶، ص ۴۶ و ۴۷؛ علوم و فنون ۱ چ ۹۷، ص ۶۰ و ۶۱)

محتوای این تقسیم‌بندی یک ایراد علمی ساختاری دارد. عبارت «برای شعر این دوره»، با توجه به موضوع درس (که سبک خراسانی است)، باید درباره شعر دوره اول و سبک خراسانی باشد. در آن صورت، ذکر سبک‌هایی که با «شعر» یا «دوره اول و سبک خراسانی» مرتبط نیستند، نادرست است. با هیچ معیار و مبنایی نمی‌توان در تقسیم‌بندی «شعر دوره اول و سبک خراسانی»، مواردی از قبیل «سبک بیهقی» - که مختص نثر است - یا «سبک دوره مشروطه» و «سبک آذربایجانی» را جای داد. اگر استدلال نویسندگان این باشد که این تقسیم‌بندی بر مبنای تمام تاریخ ادبیات فارسی بوده، آنگاه ذکر عبارت «برای شعر این دوره» در مقید کردن این تقسیم‌بندی نادرست است. بیفزایید که فهرست مذکور اجزای یک طبقه‌بندی خاص هم نیست بلکه طبقه‌بندی‌های ممکن را برای آثار ادبی برمی‌شمارد که با این توضیح باید «طبقه‌بندی» در جمله اول به صورت جمع می‌آمد و همچنین به جای عبارت «برای شعر این دوره»، عبارت «برای آثار ادبی» به کار می‌رفت.

۴. ضبط و انتساب متون

هر چند امانت‌داری و اخلاق حکم می‌کند در تمام کتاب‌ها و مقالات، آنچه از کتب دیگر آورده می‌شود، مشخص شود اما این امر در کتب درسی - به ویژه کتب ادبیات - اهمیت دیگری دارد؛ چراکه رویکرد صحیح علمی از طریق این کتاب‌ها به دانش‌آموزان آموخته می‌شود. به علاوه، این کتاب‌ها شاید اولین جایی باشند که دانش‌آموزان را با اشعار و متون کهن فارسی آشنا می‌کنند؛ پس ضبط صحیح متون و درج انتساب درست آن‌ها باید از اولین دغدغه‌های دست‌اندرکاران باشد.

✓ شیوه مشخصی برای ذکر انتساب متون در این کتاب‌ها وجود ندارد؛ مثلاً در اکثر انتساب‌ها (خصوصاً در تمرین‌ها) به ذکر نام شاعر اکتفا شده است. این در حالی است که در چند مورد، نام اثر نیز ذکر شده است.

■ برای بیتی از سنایی (علوم و فنون ۱ چ ۹۶، ص ۸۴؛ علوم و فنون ۱ چ ۹۷، ص ۹۳)، علاوه بر اسم شاعر، اسم اثر (حدیقه) نیز ذکر شده است؛ درحالی‌که در موارد مشابه، درباره سعدی و مولوی (علوم و فنون ۱ چ ۹۶، ص ۸۱؛ علوم و فنون ۱ چ ۹۷، ص ۹۰) - که آن‌ها نیز بیش از یک اثر شناخته‌شده دارند - اشاره‌ای به منبع اشعار نشده است.

■ برای بیتی از مولوی (علوم و فنون ۲ چ ۹۶، ص ۲۳؛ علوم و فنون ۲ چ ۹۷، ص ۲۲)، علاوه بر اسم شاعر، اسم اثر (غزلیات شمس) نیز ذکر شده

سمن / کاسه یاقوت بین از لاله در صحن چمن» (خواجوی کرمانی، ۱۳۶۹، ص ۴۴۷) آمده است.

- «مرا زمانه ز یارم به منزلی انداخت / که راضی ام به نسیمی کز آن دیار آید» (علوم و فنون ۱ چ ۹۶، ص ۱۱۷؛ علوم و فنون ۱ چ ۹۷، ص ۱۰۰)
- مؤلفان در علوم و فنون ۱، این بیت را از یغمای جندقی دانسته‌اند؛ درحالی‌که این بیت بر اساس برخی منابع (سعدی، بی تا، ص ۱۵۱) سروده سعدی و بر اساس برخی منابع دیگر (سعدی، ۱۳۸۵، ص ۳۴۳) منسوب به سعدی است.
- «ای گل بوستان سرا، از پس پرده‌ها درآ / بوی تو می‌کشد مرا، وقت سحر به بوستان» (علوم و فنون ۲ چ ۹۶، ص ۱۰۶؛ علوم و فنون ۲ چ ۹۷، ص ۱۰۴)
- این بیت در علوم و فنون ۲، به صائب منسوب شده درحالی‌که جزو آثار هوشنگ ابتهاج (ه. ا. سایه) است (ابتهاج، ۱۳۶۴، ص ۱۲۸). شاید شباهت آوایی «سایه» و «صائب» سبب این اشتباه بوده باشد؛ گویی کسی می‌خوانده و دیگری می‌نوشته است.

است؛ درحالی‌که در همان صفحه‌ها و برای بیت دیگری از مولوی، اشاره‌ای به نام غزلیات شمس نشده است.

- ✓ متأسفانه مثال‌هایی برای نقض دو اصل «سلامت متون نقل شده» و «انتساب درست متون»، در این کتاب‌ها وجود دارد. شاید عنوان «سرقه» برای ذکر نکردن منبع متون قدری سخت‌گیرانه باشد؛ اما بر اساس آنچه در مقدمه کتاب‌های نگارش ۱ و ۲ آمده است که: «... البته باید خاطر نشان ساخت که نمونه متن‌هایی که بی‌نشان هستند، از قلم مؤلفان این کتاب تراویده‌اند.» (نگارش ۱ چ ۹۶ و ۹۷، ص ۸؛ نگارش ۲ چ ۹۶ و ۹۷، ص ۹) می‌توان این عنوان را توجیه کرد.
- متنی که در نگارش ۲، درباره خط و سابقه نوشتن در ایران است (نگارش ۲ چ ۹۶ و ۹۷، ص ۲۹)، از قلم مؤلفان این کتاب تراویده است. این متن، سال‌ها پیش از انتشار نگارش ۲، در کتاب میراث ادبی روایی در ایران باستان اثر زهره زرشناس منتشر شده است (زرشناس، ۱۳۸۴، ص ۲۰ - ۵). نویسندگان نگارش ۲، احتمالاً متن را از صفحات «ادبیات فارسی باستان»^۱ و «ادبیات کهن ایران»^۲ در ویکی‌پدیا برداشته‌اند؛ بدون آنکه به منبع آن توجه کنند و نامی از آن ببرند.
- حکایتی در نگارش ۱ ذیل «کارگاه نوشتن» آمده (نگارش ۱ چ ۹۶ و ۹۷، ص ۱۱۷) که - علی‌رغم نام نبردن از منبع - از قلم مؤلفان کتاب تراویده و پیش‌تر، با نام «کوزه ترک‌خورده» در روزنامه آفتاب یزد (ش ۲۷۵۸ مورخ ۳۰ / ۷ / ۱۳۸۸، ص ۸) منتشر شده است و شاید با بررسی بیشتر، بتوان آن را در منبع قدیمی‌تری نیز یافت.
- ✓ اشتباه در انتساب متون هم به اندازه عدم ذکر منبع غیرقابل چشم‌پوشی است؛ هرچند دیگر شبهه سرقه در میان نباشد. این اشتباه وقتی پررنگ می‌شود که تنها با تورق کتاب‌های چاپ‌شده و جستجوی ساده‌ای در منابع در دسترس، می‌شد انتساب صحیح را یافت.
- «سرو را بین بر سماع بلبلان صبح‌خیز / همچو سرمستان به بوستان، پای‌کوب و دست‌زن» (علوم و فنون ۱ چ ۹۶، ص ۱۰۰؛ علوم و فنون ۱ چ ۹۷، ص ۲۸)

- کتاب درسی این بیت را از خاقانی دانسته است ولی این بیت در متن دیوان خاقانی نیست (نک. خاقانی، ۱۳۶۸) و در عوض، در دیوان خواجوی کرمانی در قصیده‌ای با مطلع «خط زنگاری نگر از سبزه بر گرد

ذ) همگان خاموش / گرد بر گردش به کردار صدف بر گرد مروراید.

اخوان ثالث

را) ای گل بوستان سرا، از پس پرده‌ها درآ / بوی تو می‌کشد مرا، وقت سحر به بوستان

صائب

زا) پیداست از گلاب سرشکم که من چو گل / یک روز خنده کردم و عمری گریستم

شهریار

ژا) موی سفید را فلکم رایگان نداد / این رشته را به نقد جوانی خریده‌ام

رهی معیری



تصویر ۲ - انتساب غلط بیت سایه به صائب؛ صفحه ۱۰۴ علوم و فنون ۲.

- «دائم گل این بوستان، شاداب نمی‌ماند / دریاب ضعیفان را، در وقت توانایی» (علوم و فنون ۲ چ ۹۶، ص ۱۰۹؛ علوم و فنون ۲ چ ۹۷، ص ۱۰۶)

- این بیت که در علوم و فنون ۲، به سعدی نسبت داده شده، از سعدی نیست. این بیت از حافظ است (حافظ، ۱۳۶۲، ص ۹۸۴؛ حافظ، ۱۳۷۶، ص ۵۵۹) و در متن دیوان حافظی که منبع مؤلفان بوده (حافظ، ۱۳۹۰، ص ۳۵۲) هم آمده است.

1 <https://fa.wikipedia.org/wiki/%D%A%9D%A%AF%D%A%8>

[/DBA/C%D%A%9D%A%AA_%D%A%9D%A%AF%D%A%8](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D%A%9D%A%AF%D%A%8)

2 <https://fa.wikipedia.org/wiki/%D%A%9D%A%AF%D%A%8>

[/DBA/C%D%A%9D%A%AA_%DA%A%9D%A%AF%D%A%8](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D%A%9D%A%AF%D%A%8)

را طولانی بدانیم در کودکی نظامی) نسبتاً مشهور بوده و نظامی قطعاً شاعر آن نیست.

■ «فخرالدین عراقی از دیگر شاعران نام‌آور این دوره و صاحب غزل‌های عرفانی زیبا است. مثنوی عشاق‌نامه او مشهور است او در هر فصل این مثنوی به یکی از مباحث عرفانی پرداخته و سخن را با تمثیل و حکایت به پایان رسانده است». (علوم و فنون ۲ چ ۹۶ و ۹۷، ص ۱۵)

- در علوم و فنون ۲، مثنوی «عشاق‌نامه» از عراقی دانسته شده است. عشاق‌نامه از مدت‌ها پیش به عراقی نسبت داده می‌شد (هرچند در همان زمان نیز تردیدهایی در این انتساب وجود داشت)؛ اما با پیدا شدن نسخه «سفینه تبریز» تردیدی باقی نمانده که سراینده آن عراقی نیست. امروز می‌دانیم این مثنوی از شاعری تبریزی به نام «عطایی» است (نک. پورجوادی، ۱۳۷۹، ص ۶۹؛ حائری، ۱۳۸۱، ص هفده؛ پورجوادی، ۱۳۸۷، ص ۳۰ - ۳۵؛ ساورسغلی، ۱۳۹۱، ص ۱۹ - ۱۲). بی‌توجهی مؤلفان کتب درسی به یافته‌های علمی نو و کم‌کاری در یافتن ارجاعات متقن برای انتساب متنی به شاعر یا نویسنده‌ای خاص، یکی از مهم‌ترین ضعف‌های علمی این کتاب‌هاست.

■ «نماند تیری در ترکش قضا که فلک / سوی دلم به سرانگشت امتحان نگشود» (علوم و فنون ۳ چ ۹۷، ص ۹۳)

- نویسندگان علوم و فنون ۳، این بیت را به سعدی نسبت داده‌اند اما این بیت در آثار سعدی نیست. این بیت با دو ضبط متفاوت در دیوان جمال‌الدین اصفهانی آمده است:

الف) «نماند تیری در ترکش قضا که فلک / سوی دلم به سرانگشت امتحان نگشود

چو خارپشتی گشتم ز تیر آزارش / که موی بر تن صبرم ز تیر او بشخود» (جمال‌الدین عبدالرزاق، ۱۳۲۰، ص ۸۰)

ب) «نماند تیری در ترکش فلک که قضا / سوی دلم ز سرانگشت امتحان بگشود

چو خارپشتی گشتم ز تیربارانش / که موی بر تن صبرم ز زخم او بشخود» (جمال‌الدین عبدالرزاق، بی‌تا، ص ۲۸)

■ «هنگام سپیده‌دم خروس سحری / دانی که چرا همی کند نوحه‌گری؟ یعنی که نمودند در آیین صبح / کز عمر شبی گذشت و تو بی‌خبری» (علوم و فنون ۳ چ ۹۷، ص ۱۱۳)

- مؤلفان علوم و فنون ۳، این رباعی را از خیام دانسته‌اند، ولی می‌توانستند با عبارت «منسوب به...» قطعیت را از این انتساب بگیرند و به تردیدهایی که در انتساب این رباعی به خیام وجود دارد، اشاره کنند. میرافضلی (که درباره رباعیات فارسی موجود در جُنگ‌های کهن پژوهش بسیار کرده



۱۲ بیت‌های زیر را تقطیع هجایی کنید و مطابق جدول زیر، پایه‌های آوایی، وزن واژه و خوشه‌های هجایی آن را بنویسید:

الف) دائم گل این بستان، شاداب نمی‌ماند دریا بضعیفان را در وقت توانایی

سعدی

ب) هر نفس آواز عشق، می‌رسد از چپ و راست مابه‌فلک می‌رویم، عزم تماشا که راست

مولوی

تصویر ۳ - انتساب غلط بیت حافظ به سعدی؛ صفحه ۱۰۶ علوم و فنون ۲.

■ «گفتا که مرو به غربت و می‌بارید / از نرگس تر به لاله بر، مروارید» (علوم و فنون ۲ چ ۹۶، ص ۷۵؛ علوم و فنون ۲ چ ۹۷، ص ۷۳)

- مؤلفان علوم و فنون ۲، این بیت را از نظامی دانسته‌اند ولی باید در این انتساب تردید کرد. این بیت نمی‌تواند از نظامی باشد، زیرا در منبعی پیش از نظامی آمده است. در کشف‌الأسرار میبدی، ذیل تفسیر سوره یوسف آمده است که:

«و گفته‌اند که زلیخا چون او را بزندان فرستاد بر کرده خود پشیمان شد، خسته‌دل و بیمارتن گشت، ساعه فساعة نفس سرد می‌زد و اشک گرم می‌بارید، بادلی پردرد و جانی پرحسرت پیوسته بر فراق آن بهار شکفته و ماه دو هفته همی‌زارید و نوحه همی‌کرد: گفتا که مرو بغربت و می‌بارید / از نرگس تر بلاله بر مروارید». (میبدی، ۱۳۸۲، ج ۵، ص ۷۲)

تولد نظامی سال ۵۳۰ یا کمی بعد از آن بوده است: «تاریخ ولادت او معلوم نیست لیکن با دقت در بعضی از اشعار او می‌توان آن را حدود سال ۵۳۰ یا اندکی بعد از آن دانست». (صفا، ۱۳۶۹، ج ۲/۲، ص ۸۰۰)

از طرفی، تاریخ تألیف کشف‌الأسرار باید قبل از سال ۵۳۰ باشد. ذبیح‌الله صفا می‌نویسد:

«این کتاب عظیم که صحائف پاره‌ای از نسخ آن از دوهزار متجاوز است، به دست ابوالفضل رشیدالدین المیبدی که در نیمه اول قرن ششم هجری میزیسته است، تألیف شد و تاریخ تألیف آن سال ۵۲۰ هجریست یعنی در اوایل این سال مؤلف شروع به تحریر کرد و معلوم نیست چند سال بدین کار دشوار سرگرم بوده است». (صفا، ۱۳۶۹، ج ۲/۲، ص ۹۳۰)

علی‌اصغر حکمت درباره سال تألیف کشف‌الأسرار نوشته: «آن را در سنه ۵۲۰ هجری تألیف نموده است». (میبدی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص الف)

کاربرد این بیت در کشف‌الأسرار، نشان می‌دهد این بیت در دهه‌های اول سده ششم (چندین سال پیش از تولد نظامی یا اگر دوره تألیف کشف‌الأسرار

صورت صحیح بیت این گونه است: «گر ندیدی قبض و بسط عشق را بر یک بساط / گریه مینا نگر خندیدن ساغر ببین» (فروغی بسطامی، ۱۳۳۶، ص ۱۷۴؛ فروغی بسطامی، ۲۵۳۷، ص ۱۹۲)

علوم و فنون ادبی (۳) | ۶۵

۱) من و تو غافلیم و ماه و خورشید بر این گردون گردان نیست غافل
منوچهری

۲) در ابیات زیر آرایه‌های لف و نشر، تضاد و متناقض‌نما را مشخص کنید.

الف) گر ندیدی قبض و بسط عشق را / گریه مینا نگر خندیدن ساغر ببین
فروغی بسطامی



تصویر ۴ - ضبط غلط بیت فروغی بسطامی؛ صفحه ۶۵ علوم و فنون ۳ چاپ ۹۷.

- «من ندانم به نگاه تو چه رازی است نهان / که من آن راز توان دیدن و گفتن نتوان» (علوم و فنون ۳ چ ۹۷، ص ۸۷)
- این ضبط بیتِ رعدی آذرخشی در علوم و فنون ۳ نیز نادرست است. «من» از نظر دستوری در این موضع مناسب نیست. به علاوه، ضبط مصراع دوم در نخستین چاپ این شعر (مجله مهر، بهمن ۱۳۱۴) به صورت «که مر آن راز توان دیدن و گفتن نتوان» (رعدی آذرخشی، ۱۳۱۴، ص ۸۸۸) است.
- ✓ این بی‌دقتی‌ها در نقل متون، به اشتباه در یک حرف یا یک کلمه، ختم نمی‌شود. مؤلفان در مواردی، متن‌ها را دست‌کاری کرده‌اند؛ اما اشاره‌ای نکرده‌اند که متن با تلخیص و تغییر نقل شده است. برای نشان دادن نمونه‌ای از این دست، دو مورد از متن‌های چاپ‌شده در کتاب‌های درسی با صورت اصلی آن (در کتبی که در فهرست منابع کتاب آمده‌اند) مقایسه خواهد شد.

است) انتساب این رباعی به خیام را با تردید جدی مواجه کرده و آن را از روزبهان بقلی شیرازی (۶۰۶ - ۵۲۲ ق) دانسته است. او بر اساس شواهدی از نسخه‌های قرن هشتم و نهم، نوشته است: «نسبت دادن آن به خیام دیگر وجهی ندارد.» (میرافضلی، ۱۳۷۲، ص ۱۶ و ۱۷)

این انتساب، با در نظر گرفتن نسخه‌ای از یتیمه الدرر و کریمه الفقرا^۱ - که در آن نیز این رباعی به نام روزبهان آمده است - تقویت می‌شود. باید گفت که مشابه این مسئله در همین کتاب، درباره مستزاد معروف منسوب به مولوی با مطلع «هر لحظه به شکلی بت عیار برآمد» (علوم و فنون ۳ چ ۹۷، ص ۱۰۶) وجود داشته؛ اما مؤلفان در این مورد، تردیدها را نادیده نگرفته‌اند و شعر را با توضیح «منسوب به مولوی» نقل کرده‌اند.

- ✓ رعایت ضبط صحیح متون هم، از اصول اولیه نقل از منابع دیگر است. اما در بررسی کتاب‌های آموزش و پرورش، مثال‌های متعددی از نقض این اصل وجود دارد.
- «دیده شیر است مرا، جان دلیر است مرا / زهره شیر است مرا، زهره تابنده شدم» (علوم و فنون ۱ چ ۹۵ و ۹۶، ص ۸۲؛ علوم و فنون ۱ چ ۹۷، ص ۹۱)
- صورت صحیح نیم‌مصراع نخست مصراع اول، «دیده سیر است مرا» (مولوی، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۱۸۰) است. این بیت از نخستین چاپ این کتاب، به همین شکل رها شده و حتی در چاپ سوم نیز اصلاح نشده است. جالب اینجاست که این بیت دو بار در متن علوم و فنون ۱، آمده است؛ در یکی از این مواضع صورت غلط بیت آمده است و در موضع دیگر (علوم و فنون ۱ چ ۹۵ و ۹۶، ص ۷۰؛ علوم و فنون ۱ چ ۹۷، ص ۲۳)، صورت صحیح آن. همین نکته، میزان دقت ویراستاران را مشخص می‌کند.^۲
- «گل نعمتی است هدیه فرستاده از بهشت / مردم کریم‌تر شوند اندر نعیم گل» (علوم و فنون ۱ چ ۹۶، ص ۱۱۵؛ علوم و فنون ۱ چ ۹۷، ص ۹۹)
- کلمه «شوند» در مصراع دوم، وزن را بهم‌ریخته است و صورت صحیح آن - چنان‌که در منابع دیگر (کسایبی مروزی، ۱۳۶۴، ص ۳۲؛ کسایبی مروزی، ۱۳۷۵، ص ۸۷) آمده است - «شود» است.
- «گر ندیدی قبض و بسط عشق را / گریه مینا نگر خندیدن ساغر ببین» (علوم و فنون ۳ چ ۹۷، ص ۶۵)
- این بیت فروغی بسطامی در چاپ اول علوم و فنون ۳، ناقص نقل شده و چیزی در مصراع اول آن - به اندازه یک رکن عروضی - از قلم افتاده است.

۱ نسخه ۵۸۷۴ کتابخانه ملی ملک؛ نک. جمال‌الدین محمد بن محمد اصفهانی، ۱۳۹۰، ص ۶۹

۲ این مورد را خانم افسانه احمدی‌نژاد، دانش‌آموخته کارشناسی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران، یادآوری کرده‌اند.

■ حکایتی از *أسرارالتوحید* در علوم و فنون ۱ آمده است. این متن با متن مصحح شفيعی کدکنی - که منبع مؤلفان هم بوده - تفاوت‌هایی دارد.

متن مصحح شفيعی کدکنی	متن چاپ‌شده در علوم و فنون ۱
<p>«حکایت:</p> <p>به خط اشرف ابوالیمان، رحمه‌الله، دیدم که از منکران شیخ ما ابوسعید قدس الله روحه العزیز، درزی و جولاهه‌ای باهم دوستی داشتند و چون بهم بنشستند می‌گفتندی که این کار این شیخ هیچ بر اصل نیست. روزی با یکدیگر می‌گفتند که این مرد دعوی کرامت می‌کند؛ بیا تا هر دو به نزدیک وی در شویم؛ اگر شیخ بدانند که ما هر یکی چه کار کنیم و پیشه ما چیست، بدانیم که او بر حق است و آنچ می‌کند بر اصل است. هر دو متفکروار به نزدیک شیخ ما درآمدند. چون چشم شیخ بر ایشان افتاد گفت، بیت:</p> <p>به فلک بر دو مرد پیشه‌ورند زان یکی درزی و دگر جولاه</p> <p>پس اشارت به درزی کرد و گفت:</p> <p>این ندوزد، مگر قبای ملوک آنگه اشاره به جولاهه کرد و گفت:</p> <p>وان نباد، مگر گلیم سیاه ایشان هر دو خجل گشتند و در پای شیخ افتادند و از آن انکار، توبه کردند.»</p> <p>(علوم و فنون ۱ چ ۹۶، ص ۶۴؛ علوم و فنون ۱ چ ۹۷، ص ۵۶ و ۵۷)</p>	<p>«حکایت:</p> <p>به خط اشرف ابوالیمان، رحمه‌الله، دیدم که از منکران شیخ ما ابوسعید قدس الله روحه العزیز، درزی و جولاهه‌ای باهم دوستی داشتند و چون بهم بنشستند می‌گفتندی که این کار این شیخ هیچ بر اصل نیست. روزی با یکدیگر می‌گفتند که این مرد دعوی کرامت می‌کند؛ بیا تا هر دو به نزدیک وی در شویم؛ اگر شیخ بدانند که ما هر یکی چه کار کنیم و پیشه ما چیست، بدانیم که او بر حق است و آنچ می‌کند بر اصل است. هر دو متفکروار به نزدیک شیخ ما درآمدند. چون چشم شیخ بر ایشان افتاد گفت، بیت:</p> <p>به فلک بر دو مرد پیشه‌ورند زان یکی درزی و دگر جولاه</p> <p>پس اشارت به درزی کرد و گفت:</p> <p>این ندوزد، مگر قبای ملوک آنگه اشاره به جولاهه کرد و گفت:</p> <p>وان نباد، مگر گلیم سیاه ایشان هر دو خجل گشتند و در پای شیخ افتادند و از آن انکار، توبه کردند.»</p> <p>(محمد بن منور، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۸۴ و ۱۸۵)</p>

جدول ۸ - تفاوت ضبط بخش‌های نقل‌شده از *أسرارالتوحید* در علوم و فنون ۱ با متن مصحح شفيعی کدکنی که منبع مؤلفان هم بوده است.

بخشی از روضه خلد مجد خوافی در فارسی ۲ آورده شده است. این متن در دو چاپ این کتاب باهم متفاوت است و هر دو، با متن چاپ‌شده در تصحیح مرحوم خدیو جم - که منبع مؤلفان هم بوده - تفاوت‌هایی دارد.

متن مصحح خدیو جم	متن در فارسی ۲ چاپ ۹۶	متن در فارسی ۲ چاپ ۹۷
<p>«حکایت: در اصفهان کشتی‌گیری بود که در علم کشتی ماهر بود، هر بندی را گشادی داشتی و هر گرفتگی را نهادی، هیچ پاییی از دستش نجستی و هیچ سری از شکستش نرستی، ازین گاوزوری که ثور را شاخ برکشیدی و زهره را حله از بر، به گاه با ملک‌الموت برآمیختی و از بیمش بنات از نعلش بگریختی، بدر در میدان او هلالی بودی و رستم به دستان او زالی.</p> <p>بیت از قضا بندی و قدرگیری دست بهرام و تیر بربستی با جوانان چو دست بگشادی پای گردون پیر بربستی</p> <p>طایفه یاران الحاح کردند و مرا به تفرج برد، ناگاه روستایی از کناره‌ای درآمد و نبرد خواست، خلق در وی حیران شدند، یکی گفت: بقیه‌ای است از قبیله عاد، دیگری گفت ستونبست از ذات العماد، زور بازویی که کوه به هوا بردی و قوت پنجه‌ای که عزرائیل را حلقوم فشردی.</p> <p>شعر به کین نعلش فلک دست اگر برون کردی بنات را بگرفتگی و سرنگون کردی</p> <p>از هر طرف نفیر برآمد و از هر جانب آواز تکبیر، در حال که روستایی دست بر هم زد پهلوان پایش بگرفت و سرش بر زمین محکم زد.</p> <p>فَجُرَّ وَالنَّاسُ حِیَارَى عِنْدَهُ وَ عِلْمُهُ عِنْدَ مَلِیْکٍ مُّقْتَدِرٍ كَأَنَّهُ بَقِیَّةٌ مِنْ زُمْرِهِ كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْلِ مُنْقَعِرٍ</p> <p>گفتم: علم در همه بابی لایق است و عالم در آن باب بر همه فایق، با هیولانیت اگر فعل یار نیست، استعداد مجرد جز حسرت روزگار نیست.</p> <p>زور داری چون نداری علم کار لاف آن نتوان به آسانی زدن گر تویی رویین‌تن و خیاط نی بخیه‌ای بر جامه‌ای نتوانی زدن^۱» (مجد خوافی، ۱۳۴۵، ص ۶۰ و ۶۱)</p>	<p>«کشتی‌گیری بود که در زورآزمایی شهره بود؛ بدر در میدان او هلالی بودی و رستم به دستان او زالی.</p> <p>با جوانان چو دست بگشادی پای گردون پیر بربستی</p> <p>روزی یاران الحاح کردند و مرا به تفرج بردند؛ ناگاه کشتی‌گیر از کناره‌ای درآمد و نبرد خواست، خلق در وی حیران شدند؛ زور بازویی که کوه به هوا بردی؛ از هر طرف، نفیر برآمد. در حال که کشتی‌گیر دست بر هم زد، پایش بگرفتم و سرش بر زمین محکم زدم.</p> <p>گفتم: «علم در همه بابی لایق است و عالم در آن باب بر همه فایق، استعداد مجرد، جز حسرت روزگار نیست.»</p> <p>زور داری، چون نداری علم کار / لاف آن نتوان به آسانی زدن» (فارسی ۲ چ ۹۶، ص ۱۰۳)</p>	<p>«کشتی‌گیری بود که در زورآزمایی شهره بودی و رستم به دستان او زالی.</p> <p>با جوانان چو دست بگشادی / پای گردون پیر بربستی</p> <p>روزی یاران الحاح کردند و مرا به تفرج بردند؛ ناگاه مردی از کناره‌ای درآمد و نبرد خواست، خلق در وی حیران شدند؛ زوربازویی که کوه به هوا بردی!</p> <p>از هر طرف، نفیر برآمد. در حال که آن مرد دست بر هم زد، کشتی‌گیر پایش بگرفت و سرش بر زمین محکم زد.</p> <p>گفتم: «علم در همه بابی لایق است و عالم در آن باب بر همه فایق؛ استعداد مجرد، جز حسرت روزگار نیست.»</p> <p>زور داری، چون نداری علم کار / لاف آن نتوان به آسانی زدن» (فارسی ۲ چ ۹۷، ص ۱۰۷)</p>

جدول ۹ - تفاوت ضبط بخش‌های نقل‌شده از روضه خلد مجد خوافی در فارسی ۲ با متن مصحح مرحوم خدیو جم که منبع مؤلفان هم بوده است.

۱ کذا فی الاصل. قاعدتاً باید «بخیه‌ای بر جامه نتوانی زدن» باشد.

سخن پایانی

کتاب‌های درسی از مهم‌ترین ارکان آموزش و پرورش کشور هستند و باید تا حد ممکن، عاری از اشتباه و ایراد باشند. آنچه در این نوشتار آمد، بخشی از ایرادها و نواقصی بود که در کتاب‌های درسی ادبیات دوره دوم متوسطه وجود داشته و برخی از آن‌ها بعد از سه نوبت چاپ، هنوز اصلاح نشده‌اند. عدم اصلاح بعضی از اشکالات در دو یا حتی سه سال متوالی و اصلاح‌گزینی و ناهماهنگی اشتباهات و نواقص در کنار ایرادهای چاپ‌های جدید، شائبه نبودن یک تفکر و نظام بازبینی واحد در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و عدم حضور متخصصان ادبیات فارسی را تقویت می‌کند. در هر حال، ادامه روند چاپ بدون نظارت و انسجام این کتاب‌ها، در یادگیری دانش‌آموزان و به تبع آن، در نوشته‌های آینده آنان، بی‌تأثیر نخواهد بود.

منابع

- ۱- ابتهاج، هوشنگ/ ه. ا. سایه (۱۳۶۴). سیاه‌مشق ۳. تهران: انتشارات طوس.
- ۲- اعلم، امیرجلال‌الدین (۱۳۸۷). درباره ویرایش و ترجمه؛ ویراست نو همراه با هفت پیوست. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۳- امین‌پور، قیصر (۱۳۸۸). مجموعه کامل اشعار قیصر امین‌پور. تهران: انتشارات مروارید.
- ۴- پورجوادی، نصرالله (۱۳۷۹). عرفان اصیل ایرانی در سفینه تبریز. نامه بهارستان، ۱ (۲)، ۶۴ - ۵۹.
- ۵- پورجوادی، نصرالله (۱۳۸۷). داستان‌هایی از شاهدبازی احمد غزالی (در «عقل و الهام در اسلام (جشن‌نامه هرمان لندولت)» (جلد اول). زیر نظر تد لاوسن). تهران: مؤسسه انتشارات حکمت.
- ۶- جمال‌الدین عبدالرزاق (بی‌تا). دیوان محمد جمال‌الدین اصفهانی. به اهتمام و تصحیح ادیب نیشابوری (استاد دانشکده معقول و منقول خراسان). تهران: شرکت کانون کتاب.
- ۷- جمال‌الدین عبدالرزاق (۱۳۲۰). دیوان کامل استاد جمال‌الدین محمد بن عبدالرزاق اصفهانی (سرآمد قصیده‌سرایان ایران در سده ششم). با تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی. تهران: بی‌تا.
- ۸- جمال‌الدین محمد بن محمد اصفهانی (مدعو به جمال معلم - زنده در ۷۹۷ ق -) (۱۳۹۰). یتیمه الدرر و کریمه الفقر (مجموعه نظم و نثر مسطور از خطوط اکابر شیراز). با مقدمه و توضیحات بهروز ایمانی. تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- ۹- حائری، عبدالحسین (۱۳۸۱). مقدمه چاپ عکسی «سفینه تبریز» (گردآوری و به خط ابوالمجد محمد بن مسعود تبریزی، تاریخ کتابت ۳ - ۷۲۱ قمری،

- چاپ عکسی از روی نسخه خطی مجلس شورای اسلامی). تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۱۰- حافظ (۱۳۶۲). دیوان حافظ (جلد اول، غزلیات). به تصحیح و توضیح پرویز ناتل خانلری. تهران: انتشارات خوارزمی.
 - ۱۱- حافظ (۱۳۷۶). حافظ به سعی سایه. تهران: انتشارات کارنامه.
 - ۱۲- حافظ (۱۳۹۰). دیوان خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی. به اهتمام محمد قزوینی و دکتر قاسم غنی. تهران: انتشارات زوار.
 - ۱۳- خاقانی (۱۳۶۸). دیوان خاقانی شروانی. به تصحیح ضیاء‌الدین سجادی. انتشارات زوار.
 - ۱۴- خواجهی کرمانی (۱۳۶۹). دیوان خواجهی کرمانی. به تصحیح احمد سهیلی خوانساری. تهران: انتشارات پازنگ.
 - ۱۵- ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۲). راهنمای ویراستاری و درست‌نویسی. تهران: انتشارات علم.
 - ۱۶- رعدی آذرخشی، غلامعلی (۱۳۱۴). نگاه (به برادر بی‌زبانم لطفعلی آذرخشی). مجله مهر، ۲ (۳۳)، ۸۹۰ - ۸۸۸.
 - ۱۷- زرشناس، زهره (۱۳۸۴). میراث ادبی روایی در ایران باستان (از ایران چه می‌دانم؟/ ۶۴). تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
 - ۱۸- ساور سفلی، سارا (۱۳۹۱). عشق‌نامه، سروده عزالدین عطایی (زنده در ۷۲۱ ق). تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
 - ۱۹- سعدی (بی‌تا). غزلیات سعدی (طبیات، بدایع، خواتیم، غزلیات قدیم، ترجیعات، ملمعات، رباعیات). به اهتمام جناب آقای محمدعلی فروغی. تهران: بروخیم.
 - ۲۰- سعدی (۱۳۸۵). غزل‌های سعدی. تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی. تهران: انتشارات سخن.
 - ۲۱- سمیعی گیلانی، احمد (۱۳۷۷). تبصره‌ای بر تصحیحات قیاسی محدث ارموی در چاپ دیوان قوامی رازی. نامه فرهنگستان، ۴ (۴)، ۲۷ - ۶.
 - ۲۲- صفاء، ذبیح‌الله (۱۳۶۹). تاریخ ادبیات در ایران (جلد اول). تهران: انتشارات فردوس.
 - ۲۳- صفاء، ذبیح‌الله (۱۳۶۹). تاریخ ادبیات در ایران (جلد دوم، بخش اول). تهران: انتشارات فردوس.
 - ۲۴- صفاء، ذبیح‌الله (۱۳۶۹). تاریخ ادبیات در ایران (جلد دوم، بخش دوم). تهران: انتشارات فردوس.
 - ۲۵- علوم و فنون ادبی (۱) پایه دهم، دوره متوسطه (۱۳۹۵). سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران. مؤلفان: فریدون اکبری شلدره، غلامرضا عمرانی، حسین قاسم‌پور مقدم، زهرا سادات موسوی و عباسعلی وفایی.

۳۵- فارسی (۲) پایه یازدهم، دوره متوسطه (۱۳۹۶). سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران. مؤلفان: حسین قاسم‌پور مقدم، شهناز عبادتی، عباسعلی وفایی، محمدرضا سنگری و فریدون اکبری شلدره.

۳۶- فارسی (۲) پایه یازدهم، دوره متوسطه (۱۳۹۷). سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران. مؤلفان: حسین قاسم‌پور مقدم، شهناز عبادتی، عباسعلی وفایی، محمدرضا سنگری و فریدون اکبری شلدره.

۳۷- فارسی (۳) پایه دوازدهم، دوره متوسطه (۱۳۹۷). سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران. مؤلفان: حسین قاسم‌پور مقدم، شهناز عبادتی، محمدرضا سنگری و احمد تمیم داری.

۳۸- فرشیدورد، خسرو (۱۳۸۲). دستور مفصل امروز. تهران: انتشارات سخن.

۳۹- فروغی بسطامی (۱۳۳۶). دیوان کامل فروغی بسطامی (با مقدمه و شرح حال کامل به قلم پروفیسور ادوارد براون، رضا قلیخان هدایت، شاهزاده اسدالله میرزای قاجار). به کوشش حسین نخعی. تهران: انتشارات امیرکبیر.

۴۰- فروغی بسطامی (۲۵۳۷). دیوان فروغی بسطامی. مقدمه از استاد سعید نفیسی و حواشی از م. درویش تهران: سازمان انتشارات جاویدان.

۴۱- کسایی مروزی (۱۳۷۵). کسایی مروزی، زندگی، اندیشه و شعر او. به کوشش محمد امین ریاحی. تهران: انتشارات علمی.

۴۲- کسایی مروزی (۱۳۶۴). اشعار حکیم کسایی مروزی و تحقیقی در زندگانی و شرح حال او. به کوشش مهدی درخشان. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۴۳- لندن، جک (۱۳۷۱). سپیدندان. ترجمه داریوش شاهین. تهران: شرکت چاپ و انتشارات علمی.

۴۴- مجد خوافی (۱۳۴۵). روضه خلد. به کوشش حسین خدیو جم. تهران: کتابفروشی زوار.

۴۵- محمد بن منور (۱۳۷۱). أسرار التوحید (جلد اول). مقدمه، تصحیح و تعلیقات از محمدرضا شفیعی کدکنی. تهران: انتشارات آگاه.

۴۶- مولوی، جلال‌الدین (۱۳۷۸). کلیات شمس (دیوان کبیر). با تصحیحات و حواشی بدیع‌الزمان فروزانفر. تهران: انتشارات امیرکبیر.

۴۷- میبدی، ابوالفضل رشیدالدین (۱۳۸۲). کشف الأسرار و عده الأبرار (دوره ده‌جلدی). به سعی و اهتمام علی اصغر حکمت. تهران: انتشارات امیرکبیر.

۴۸- میرافضلی، علی (۱۳۷۲). رباعیات خیام در شش‌جنگ کهن فارسی. مجله معارف، ۱۰ (۲۹ و ۳۰)، ۲۰ - ۳.

۲۶- علوم و فنون ادبی (۱) پایه دهم، دوره متوسطه (۱۳۹۶). سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران. مؤلفان: فریدون اکبری شلدره، غلامرضا عمرانی، حسین قاسم‌پور مقدم، زهرا سادات موسوی و عباسعلی وفایی.

۲۷- علوم و فنون ادبی (۱) پایه دهم، دوره متوسطه (۱۳۹۷). سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران. مؤلفان: حسین قاسم‌پور مقدم، فریدون اکبری شلدره، غلامرضا عمرانی، زهرا سادات موسوی و عباسعلی وفایی.

۲۸- علوم و فنون ادبی (۲) پایه یازدهم، دوره متوسطه (۱۳۹۶). سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران. مؤلفان: حسین قاسم‌پور مقدم، نادره شاه‌آبادی، احمد تمیم داری، فریدون اکبری شلدره، غلامرضا عمرانی، علی‌اکبر کمالی‌نهاد و علی واسو جویباری.

۲۹- علوم و فنون ادبی (۲) پایه یازدهم، دوره متوسطه (۱۳۹۷). سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران. مؤلفان: حسین قاسم‌پور مقدم، نادره شاه‌آبادی، احمد تمیم داری، فریدون اکبری شلدره، غلامرضا عمرانی، علی‌اکبر کمالی‌نهاد و علی واسو جویباری.

۳۰- علوم و فنون ادبی (۳) پایه دوازدهم، دوره متوسطه (۱۳۹۷). سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران. مؤلفان: حسین قاسم‌پور مقدم، احمد خاتمی، علی‌اکبر کمالی‌نهاد، علی واسو جویباری و نادره شاه‌آبادی.

۳۱- غلامحسین‌زاده، غلامحسین (۱۳۷۹). راهنمای ویرایش. تهران: سازمان مطالعه و تألیف کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

۳۲- فارسی (۱) پایه دهم، دوره متوسطه (۱۳۹۵). سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران. مؤلفان: فریدون اکبری شلدره، محمدرضا سنگری، مریم عاملی رضائی، شهناز عبادتی و حسین قاسم‌پور مقدم.

۳۳- فارسی (۱) پایه دهم، دوره متوسطه (۱۳۹۶). سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران. مؤلفان: فریدون اکبری شلدره، محمدرضا سنگری، مریم عاملی رضائی، شهناز عبادتی و حسین قاسم‌پور مقدم.

۳۴- فارسی (۱) پایه دهم، دوره متوسطه (۱۳۹۷). سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران. مؤلفان: حسین قاسم‌پور مقدم، شهناز عبادتی، فریدون اکبری شلدره، محمدرضا سنگری و مریم عاملی رضائی.

بارگذاری کتاب های درسی قدیمی در وبگاه فرهنگستان

۳۴۵ عنوان کتاب های درسی قدیمی فارسی

اهدایی به

گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی

در وبگاه فرهنگستان

بارگذاری شد و

در نشانی زیر قابل بارگیری است:

<https://apll.ir/درسی>

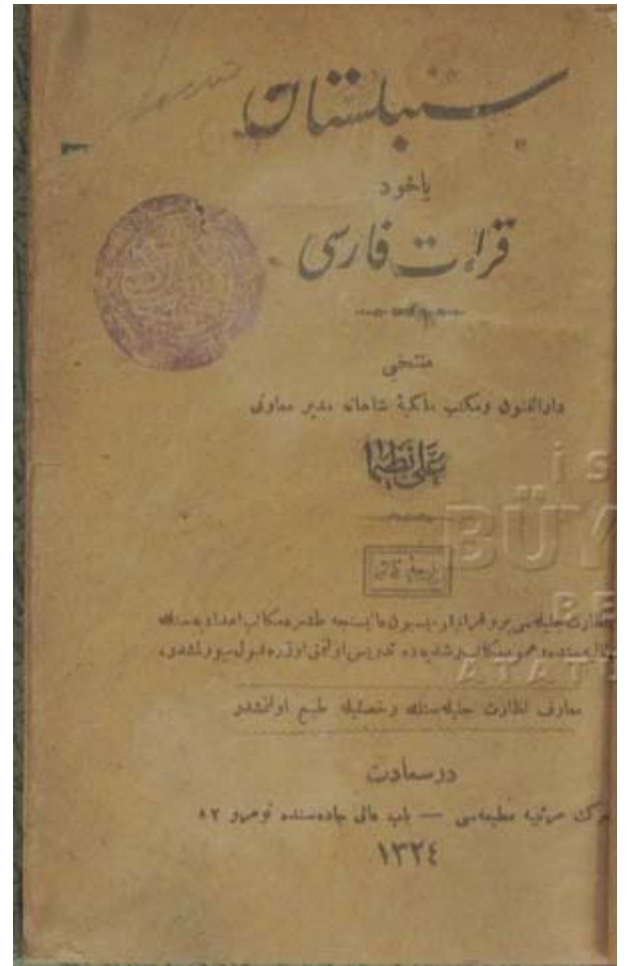


- ۴۹- نجفی، ابوالحسن (۱۳۹۴). *اختیارات شاعری و مقاله های دیگر در عروض فارسی*. به همت امید طیب زاده. تهران: انتشارات نیلوفر.
- ۵۰- نجفی، ابوالحسن (۱۳۹۵). *وزن شعر فارسی (درس نامه)*. به همت امید طیب زاده. تهران: انتشارات نیلوفر.
- ۵۱- نصرالله منشی، ابوالمعالی (۲۵۳۵). *کلیله و دمنه*. تصحیح و توضیح مجتبی مینوی طهرانی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۵۲- نگارش (۱) پایه دهم، دوره متوسطه (۱۳۹۵). سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران. مؤلفان: فریدون اکبری شلدره، حسین قاسم پور مقدم، محمد گودرزی دهریزی، معصومه نجفی پازکی و شهین نعمت زاده.
- ۵۳- نگارش (۱) پایه دهم، دوره متوسطه (۱۳۹۶). سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران. مؤلفان: فریدون اکبری شلدره، حسین قاسم پور مقدم، محمد دهریزی، معصومه نجفی پازکی و شهین نعمت زاده.
- ۵۴- نگارش (۱) پایه دهم، دوره متوسطه (۱۳۹۷). سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران. مؤلفان: حسین قاسم پور مقدم، معصومه نجفی پازکی، محمد دهریزی، فریدون اکبری شلدره و شهین نعمت زاده.
- ۵۵- نگارش (۲) پایه یازدهم، دوره متوسطه (۱۳۹۶). سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران. مؤلفان: معصومه نجفی پازکی، حسین قاسم پور مقدم، رضا مرادصحرانی، فریدون اکبری شلدره، حجت کجانی حصاری و مرجان سجودی.
- ۵۶- نگارش (۲) پایه یازدهم، دوره متوسطه (۱۳۹۷). سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران. مؤلفان: معصومه نجفی پازکی، حسین قاسم پور مقدم، رضا مرادصحرانی، فریدون اکبری شلدره، حجت کجانی حصاری و مرجان سجودی.
- ۵۷- نگارش (۳) پایه دوازدهم، دوره متوسطه (۱۳۹۷). سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران. مؤلفان: معصومه نجفی پازکی، حسین قاسم پور مقدم، محمدرضا سنگری و غلامرضا عمرانی.

عربی بوده، انتخاب و مدون کرده است. به بیان مؤلف، این کتاب عاری از هرگونه مضرت و در خدمت تصفیه اخلاق و حاوی مجموعه‌ای از حکایات و حکمیات است که در قیاس با سایر کتاب‌هایی که در این حوزه تدریس می‌شوند امتیاز و برتری ویژه دارد. از همین رو، برای تدریس در مکاتب رشدیه برگزیده و مناسب‌تر شناخته شده است. در انتهای کتاب نیز لغات فارسی موجود در متن به صورت لغتنامه فهرست و معنی شده‌اند و همین امر ارزش کتاب را چندین برابر ساخته است. لذا بنا بر آنچه شورای عالی برنامه‌ریزی مقرر فرمودند و نیز به حسب لایحه معارف نظارت جلیله، این کتاب در مکاتب اعدادیه در کلاس‌های تالیه (ظاهراً کلاس‌های پس از دوره مقدماتی) و عموم مکاتب رشدیه نیز برای تدریس پذیرفته شد (سنبلستان، ص ۳-۴).

محتوای کتاب

سنبلستان شامل سه فصل و یک لغتنامه در پایان است. فصل اول کتاب با عنوان **حکایات** دربردارنده روایات کوتاه حکمی و اخلاقی است که مؤلف از گلستان سعدی و تألیفات فارسی گلشن‌آبادی مدرس زبان فارسی اقتباس و درج کرده است. این حکایات مضامینی بعضاً مشابه با حکایات گلستان سعدی دارند. پس از ذکر هر حکایت، یکی دو جمله‌ای تحت عنوان ماحصل در بیان



معرفی کتاب‌های آموزش زبان فارسی در خارج از ایران (۱۵) سنبلستان یا خودقرائت فارسی

دکتر سیده‌زیبا بهروز^۱

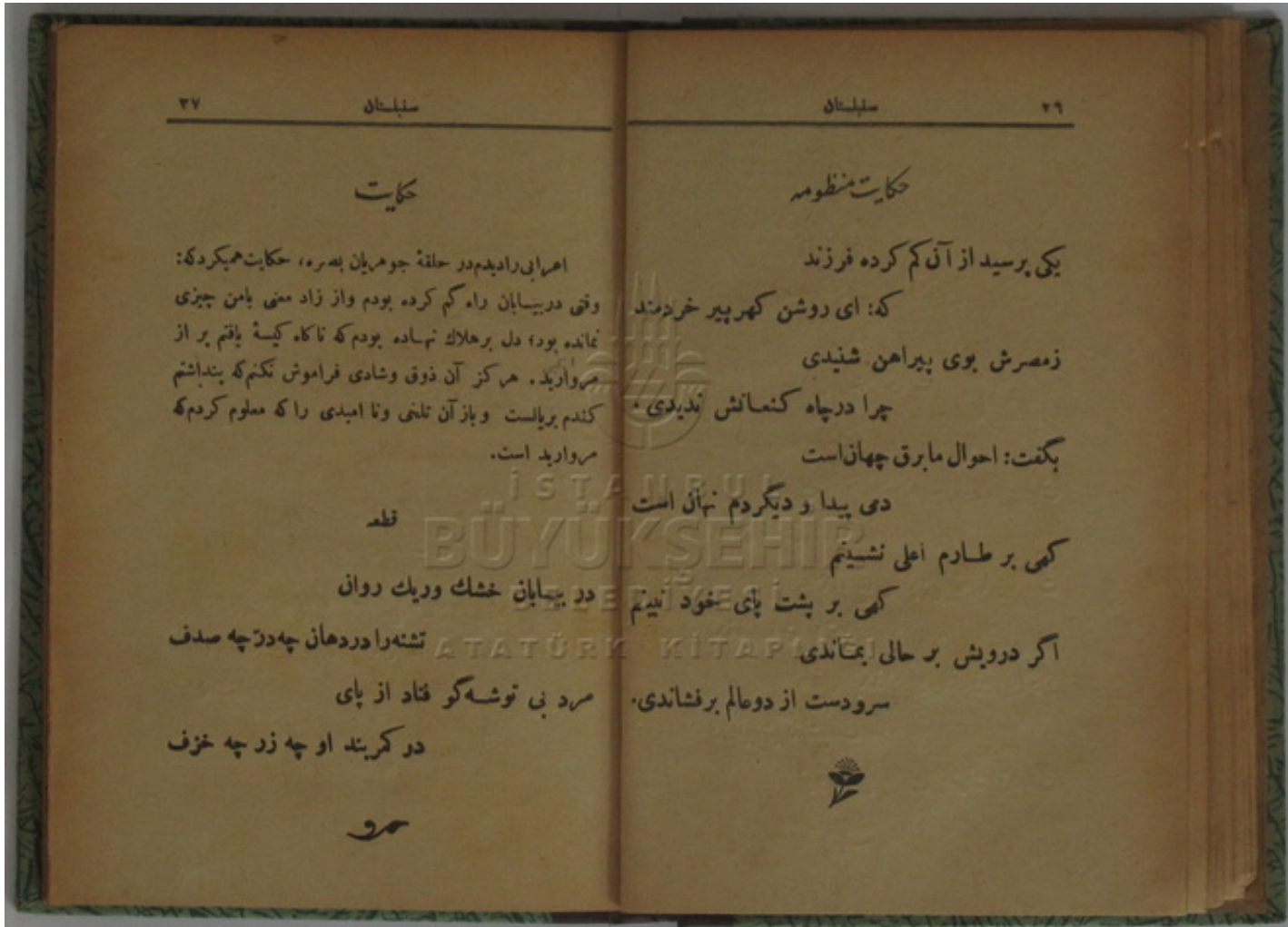
سنبلستان یا خودقرائت فارسی، علی نظیما، معاون مدیر دارالفنون و مکتب ملکیه شاهانه، درساعات، مطبعه شرکت مرتبیه، ۱۳۲۴ق، ۱۲۸ صفحه.

درباره کتاب

سنبلستان یا خودقرائت فارسی یکی از کتاب‌های درسی خواندن متون فارسی است که به کوشش علی نظیما، معاون مدیر دارالفنون و مکتب ملکیه شاهانه گردآوری و تدوین شده است. این کتاب در سال ۱۳۲۴ با مجوز وزارت جلیله در شهر درساعات (استانبول) در چاپخانه شرکت مرتبیه به چاپ رسیده است. سنبلستان حاوی مطالبی است که نویسنده از دو منبع، یکی گلستان اثر فاضل شهیر حضرت شیخ مصلح‌الدین سعدی شیرازی و دیگری تألیفات سلیس فارسی از سیداشرف‌علی گلشن‌آبادی، مفتی عبدالفتاح که مدرس زبان فارسی و

۱ پژوهشگر فرهنگستان زبان و ادب فارسی، گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی





مثنوی

بلند آواز نادان گردن افراخت
که دانا را به بی‌شرمی بینداخت
نمی‌داند که آهنگ حجازی
فروماند ز بانگ طبل غازی
(سنبلستان، ص ۹۱)

لغتچه آخرین بخش کتاب و شامل فهرست الفبایی در حدود ۹۵۰ لغت فارسی از درون متن کتاب و معنای آن‌ها به زبان ترکی عثمانی است. آنچه درباره این لغتنامه به نظر می‌رسد این است که واژگان به صورت دقیق ترجمه شده‌اند؛ برای نمونه، در مقابل ترکیب «بی دست و پای شدن» سراسمه اولمق آمده است که ترجمه معنایی است نه لفظ به لفظ. اما گاه این دقت به افراط گراییده و در مواردی چون صفات فاعلی مرکب مرخم فارسی جدای از جزء ترکیبی خود در فهرست درج و معنی شده است؛ مثلاً برای کلمه «افزا» آورده «آرتیچی» (فزاینده) و برای واژه «فروش» معادل «ساتیچی» و «ساتان» (هر دو به معنای فروشنده) را ذکر کرده است. هرچند این معانی در ترکیباتی همچون روح افزا و کتاب فروش صادق است ولی نویسنده واقف نبوده که این واژگان در فارسی در ترکیب باید آورده شوند و به طور مجزا صرفاً بن مضارع هستند. همچنین گاه نویسنده اصول فرهنگ‌نویسی را رعایت نکرده و صورت صرفی افعال را در فهرست گنجانده و معنا کرده است مثل «خوردی» به معنای «بیه‌جک». گاه نیز معانی اشتباه مثل «گوز یاشی» برای «ابرو» یا معانی بیش‌ازحد تحت‌اللفظی مثل «ایاق باصمش» برای «قدم نهاده» به چشم می‌خورد (← سنبلستان، لغتچه/۹۶-۱۲۸).

نتیجه حکمی یا اخلاقی حکایت آمده است که شاید از افزوده‌های خود علی نظیما بر متن باشد. در مجموع ۵۲ حکایت منثور و ۴ حکایت منظوم در این فصل ذکر شده است. برخی از حکایات منثور نیز شامل ابیاتی در قالب قطعه و مثنوی است؛ برای نمونه یکی از حکایات خواندنی در اینجا آورده می‌شود:

حکایت

«شخصی مکتوبی می‌نوشت و رازهای پنهان در آن درج می‌کرد و یکی در پهلویش نشسته بر آن نظر می‌انداخت. آن شخص نوشت که: مردکی نادان در مکتوب من نگاه می‌کرد. از این سبب دیگر رازهای خود را ننوشتم. آن کس به غضب درآمد و گفت که: من در مکتوب تو نگاه نکرده‌ام. آن شخص گفت که: من نیز برای تو چیزی ننوشته‌ام.»

حاصل مطلب

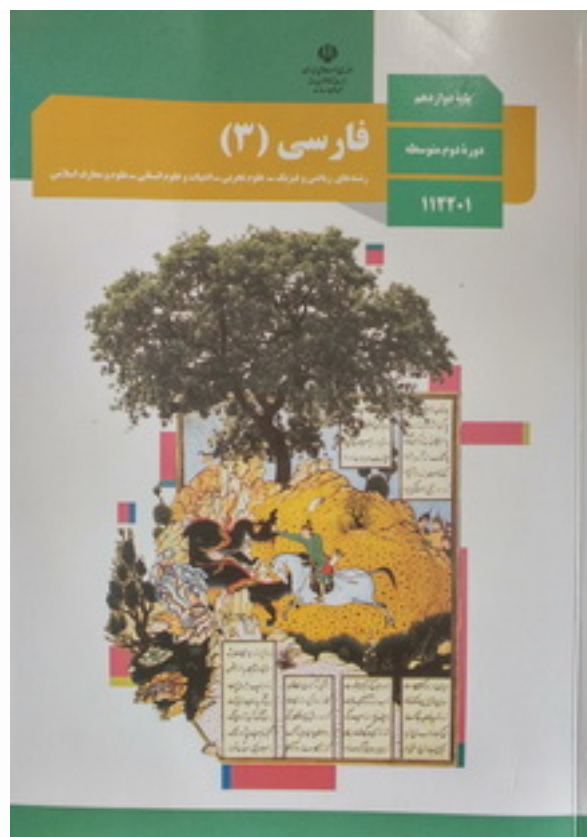
در خط کسی نباید نگاه کرد، اگرچه دوست و برادر باشد؛ اما اگر اجازت دهد، مضایقه نیست. (سنبلستان، ۱۱-۱۲)

حکمیات عنوان فصل دوم کتاب است و در مجموع شانزده حکمیة را دربردارد. نویسنده بین حکایات مشتمل بر نکات حکمی و حکمیات بدون ساختار روایی مشخص تمایز قائل شده است. فصل سوم نیز شامل **ملاطفات** است و جمعاً ده لطیفه یا ملاطفه (به بیان نویسنده) در این فصل درج شده است. یک نمونه از ملاطفات نیز در اینجا ذکر می‌شود:

«خردمندی را که در زمره اجلاف سخن صورت نیندد شگفت مدار که آواز بریط با غلبه دهل برنیاید و بوی عبیر ز کند سیر فروماند.»

نقد و تحلیل متون درسی (۳۰)

درس «فصل شکوفایی» سال دوازدهم



به مشام می‌رسد.
بیت ۲: آیا چشم‌های ما، در آن حدفاصل مرگ و زندگی (در آن دوره سراسر رنج و اندوه) جز تاریکی و خفقان، چیزی می‌دید؟
بیت ۳: من و وطن در آن دوران، هر دو مصیبت‌زده و اندوهگین بودیم؛ ولی اکنون نور الهی و روح خدا (رهبر) جلودار و راهنمای ماست.
بیت ۴: ما، در آلودگی و بیگانگی (زندگی مادی) به سر می‌بریم. بیا تا به سوی پاکی و رحمت الهی (معنویت) حرکت کنیم؛ جایی که نیکی‌ها و اثرات معنوی بسیار در انتظار ماست.
بیت ۵: اکنون دوران یادآوری و پیشرفت ماست. بلند شو، بیا تا در شکوفایی فضای اجتماعی، بالندگی و شایستگی خود را نشان دهیم.
بیت ۶: ای دوست بیا با این سپیده‌دم انقلاب و مبارزه همراه شویم. اگر در این راه جان دادیم، یادگار ما - نظام اسلامی - در وطن باقی خواهد ماند.
بیت ۷: من مانند رود، امیدوار، بی‌تاب و بی‌قرارم - من به سوی دریای انقلاب و حرکت عظیم مردم رهسپارم؛ آنجا که محل آرامش و اطمینان ماست.

زبان‌شناختی متن «فصل شکوفایی»

آموخته‌ایم که زبان در اصل نمودی ذهنی است و در همه جانداران وجود دارد. زبان در گروهی (حیوانات) تک ساختی (فقط لفظ) است، ولی در انسان‌ها دوسویه و دو ساختی (لفظ و معنی) است. پس صداهای بی‌معنی (در نظر ما) مانند: عرعر، قارقار، بع بع، یا مخصوص حیوانات است و زبان برای ما انسان‌ها، یک مقوله عمیق انسانی است و رویکرد سلمان هراتی هم در این شعر بیشتر رویکردی درونی و معنی‌گر است. آنچه زبان این شعر را از زبان روزمره جدا می‌کند، واژه‌ها و آرایه‌ها و ترکیب‌ها و تصویرهای شاعرانه است. که در بافت ویژه شعر، شکل گرفته و این: به سخن شاعر و متن درس، خصلت خبردهی بیشتری داده است.

بسامد واژه‌های بهار، شب، آفتاب، پنجره، گل و ... در پیوند با ترکیب‌ها و تصویرها، ارزش خبری بیشتری به شعر داده است. بنابراین، هنگامی که واژه «بهار» را برای نامیدن مفهومی غیر از عام بودن آن به کار می‌بریم، درواقع، آن را «ویژه» کرده‌ایم؛ یعنی، معنی دیگری برای او قائل شده‌ایم. وقتی به صورت زبان و ساختمان و شبکه آن شعر نگاه می‌کنیم، متوجه می‌شویم که برای نمونه، نقش‌های ربطی و عطفی حرف «و» به‌عنوان یک ابزار پیوندی برای دست‌یابی به شبکه نهفته معنی، چقدر بااهمیت است:

۱ - واو عطف: برگ و بار / من و تو / غم و درد / غبار و غربت.

۲ - واو ربط: من بودم و یک چمن داغ / بی‌تابم و بی‌قرارم.

پس سنجیدن واژه‌ها و درک زبان شعر در این متن، پیش از هر اقدامی برای رسیدن به معنی شعر ضروری به نظر می‌رسد.

عبدالحسین موحد^۱

آغاز

چه نسبتی میان زبان، هنر و شعر وجود دارد؟ زبان شاعرانه کدام است؟ چگونه زبان شاعرانه در یک جامعه اثر می‌گذارد؟ چرا برخی شعرها ما را بر نمی‌انگیزانند؟ آیا قالب «غزل» گنجایش بازتاب همه احساس‌ها، عاطفه‌ها، اندیشه‌ها و آرمان‌های انسانی را دارد؟ راز ماندگاری «غزل» به‌عنوان یک‌گونه ادبی و هنری چیست؟ آیا غزل می‌تواند در قلمرو هنری از عهده مفهوم‌سازی و معنی‌پردازی برآید؟ چه پیوندی میان زبان، و رفتار و کردار انسان‌ها وجود دارد؟ چه باید کرد که زبان انسان‌ها و رفتار آن‌ها متناسب و هنجارمند با جامعه باشد؟ تا چه حد، زبان مردم یک جامعه و زبان انقلاب و دگرگونی اجتماعی آن، در یکدیگر اثر می‌کنند؟ تا چه حد، شاعران اکنون ما، توانسته‌اند، زبان شاعرانه‌شان را با زبان دین، انقلاب و زبان مردم ما همسان کنند؟ آیا انقلاب اسلامی ما به انقلاب زبانی - ادبی، منجر شده است؟ چقدر دیروز با امروز، آنجا و اینجا، فرق کرده است؟

متن «فصل شکوفایی»

بیت ۱: اگر ای دوست، در گذشته، اندوه و ستم، دارایی و توانایی‌های ما را از میان برد، اکنون به جای آن، بوی شادی، آزادی و سرزندگی، از سرزمین ما

۱ دبیر و پژوهشگر زبان و ادب فارسی

درس م

فصل شکوفایی



بیرود اگر سوخت ای دست غم بگردم تو
امروز می آید از باغ، بی بسمل من و تو
آن جا که آن برزخ سودا، که کوبد ای غم و درد
غیر از شب یکا چه می بود چنان بار من و تو
بیرود در غمت ای من بوم و یک چمن داغ
امروز غم شید در دشت آینه دار من و تو
غرق غبارم در غربت، با من بیا سمت باران
مد جیاد است زنده در استخوان من و تو
این فصل فصل من و توست، فصل شکوفایی
برخیز با گل بختام اینک ببار من و تو

۱۳۹۸ شهریور

با این نیم سوزن، بر خستیز اگر جان سپردم
در باغ می آمد ای دست گل یادگار من و تو
چون در ایستادم ای ایام دنیای قسردارم
من می بوم سوی دیا، جای قسردار من و تو

۱۳۹۸ شهریور



۱. واژه‌های راهنما: برگ: توشه و آذوقه/ بار: میوه درخت، محصول و ثمر/ برزخ: حدفاصل میان دنیا و آخرت/ جویبار: جایی که رودهای کوچک در آن جاری است./ غربت: دوری از وطن، بیگانگی و غریب ماندن/ داغ: غصه، اندوه و مصیبت/ آینه‌دار: آنکه آینه در پیش دارد تا دیگری خویشتن را در آن ببیند.

۲. آرایه‌های ادبی

- استعاره: باغ: وطن/ برگ و بر: دارایی و توانایی/ برزخ سرد: دوران حکومت گذشته/ شب: تاریکی ستم و خفقان اجتماعی/ داغ: اندوه و ظلم/ خورشید: نور الهی (رهبر انقلاب اسلامی)/ دشت: میهن/ چمن: وطن، سرزمین و گستره زندگی/ غبار: آلودگی و گناه/ باران: رحمت الهی، نیکی و پاداش/ جویبار: ترقی و تکاپوی اجتماعی مردم/ بهار: فضای شکوفایی و بالندگی/ نسیم سحرخیز: مبارزه و تکاپوهای انقلابی/ دریا: مردم و خیزش ملت و قرارگاه آن‌ها.

- تشبیه: «من» به «رود».

- تشخیص: غربت باغ، جویبار، گل.

- تکرار: این فصل، فصل من و توست، فصل شکوفایی ما / ...

- تناسب: برگ، بار/ باغ، بهار/ چمن، دشت/ فصل شکوفایی/ گل، نسیم، سحر.

- جناس (ناهمسان): سرد، درد/ باغ، داغ.

- کنایه: بوی بهار آمدن: دوران آزادی، رهایی و رشد و شکوفایی/ آینه‌دار بودن: روشنگر بودن، راهنما بودن/ فصل بهار بودن: زمان سرزندگی و آزادی.

- مجاز: دیروز: دوره حکومت گذشته ایران/ امروز: دوره حکومت اکنون ایران (جمهوری اسلامی)/ من و تو: همه مردم ایران.

- واج آرایی: تکرار حرف «ر»: در: آنجا در آن برزخ سرد، در کوجهای غم و درد / ...

تکرار حرف «د»: در: دیروز در غربت باغ، من بودم و یک چمن داغ / ...

تکرار حرف «غ»: در: غرق غباریم و غربت، با من بیا سمت باران؛

تکرار حرف «م»: در: چون رود امیدوارم، بی تابم و بی قرارم / ...

انجام

متن این درس - درس دهم - از واژه‌ها، ترکیب‌ها و جمله‌هایی ساخته شده که حوزه متفاوتی را در قلمرو زبان و معنی به وجود آورده است. استعاره، مجاز و کنایه، سازمایه‌های برجسته این متن است. واکاوی زبانی ما، در این متن در پیوند با «صورت» و «معنی» انجام گرفته است. بسامد واژه‌های پنجره، گل، باغ، داغ، غربت، آسمان، درخت، دل، غبار، آینه، آب و چراغ در این متن

شعری، هرچند به ظاهر سنتی و کهنه به نظر می‌رسد؛ ولی شاعر با مهارتی که در تجربه شعر پردازی و منطق سخن‌آرایی داشته، توانسته، از این واژه‌ها، مفاهیم و معنی‌های متفاوت و نویی را به دست دهد. برای نمونه در بیت «دیروز اگر سوخت، غم برگ و بار من و تو / امروز می‌آید از باغ، بوی بهار من و تو»، شاعر در یک زنجیره زبانی و ساخت ظاهری متن، توانسته جوهره و ذات زبان خود را بیافریند و به دوران حکومت پیشین و دوران حکومت اکنون وطن خود اشاره کرده، اندیشه و اعتقاد دینی خود را با این شعر، به‌عنوان ابزار ادبی، انتقال دهد و با مخاطبان خود ارتباط برقرار کند. ردیف «من و تو» در این شعر که در قالب غزل نوشته شده، معنی مجازی پیدا کرده و بر «همه ما» دلالت می‌کند. هرچند که اصطلاحات نو و خودساخته شاعر در زبان شعر، اندک است؛ ولی چون بر پایه تجربه و برداشت شخصی شاعر از رویدادهای زندگی‌اش و پدیده‌های اجتماعی کشورش، استوار شده، گفتار او واکنشی متفاوت و آگاهی‌دهنده در مخاطب به وجود می‌آورد؛ تا آنجا که فرایند برقراری ارتباط، زود انجام شده. با انتقال معنی و مفهوم شدن زبان، گونه‌ای تعادل و همسانی زبانی، به وجود آمده و واژه‌ها و جمله‌ها، به‌سادگی و روانی، بر کارایی زبان شاعرانه افزوده شده‌اند.

این درس جزو بخش ادبیات انقلاب اسلامی کتاب پایه دوازدهم آورده شده است و بجاست که برای پر کردن جای خالی معرفی‌نامه‌ای که در ابتدای متن می‌بایستی آورده می‌شد، اشاره‌ای هرچند کوتاه، به این گونه ادبیات و نگاه شاعرانه سلمان هراتی و مجموعه شعر «دری به خانه خورشید» او، برای فهم بیشتر متن درس داشته باشیم. دانستیم که زبان در رفتار انسان‌ها و رفتار انسان‌ها در زبان به نوبه خود، تأثیر می‌گذارند. حاصل این تأثیر و تأثر، تغییر و تحولی است که می‌توان به کلی به «زبان» نسبت داد؛ با تغییری که باعث تداوم انگیزه‌ها، حرکت‌ها و هیجانات روانی شده، بر تکاپوهای اجتماعی انسان‌ها، افزوده شده، آن‌ها را در موقعیت‌های اجتماعی ویژه و متفاوتی قرار می‌دهد. حقیقت این است که انسان‌ها در جنبش‌های اجتماعی و انقلاب‌های توده‌ای، تجربه‌ها و برخوردهای اجتماعی ویژه‌ای به دست می‌آورند و متناسب با هدف‌ها و ویژگی‌های جنبش‌ها، رفتارهای متفاوتی را از خود نشان می‌دهند؛ رفتارهایی که حاصل ارزش‌های اجتماعی خاص در دوره خاص هستند. شاعران، نویسندگان و هنرمندان، ما نیز در تناسب با پیوندهای اجتماعی خود، رفتارهای متناسب با هنجارهای انقلابی و پر تنش جامعه، نشان می‌دهند. بازتاب این دگرگونی و تحول موقعیتی و رفتاری را می‌توان در آثار آنان به فراخور دید، شعر «فصل شکوفایی» که در مجموعه شعر این شاعر با عنوان «یک چمن داغ» به چاپ رسیده، ما را به یاد انقلاب اسلامی و ویژگی‌های بنیادین آن می‌اندازد.

شاعر در این شعر، همانند شعرهای دیگرش، رفتار زبانی متناسب با خیزش

مردمی و بازتاب انقلاب اسلامی و آنچه پس‌ازاین تجربه بزرگ اجتماعی، بر این سرزمین و مردم ما گذشته، نشان داده است. این‌گونه شعرها و آثار و چگونگی بیان مطلب، به‌ویژه گزینش قالب غزل؛ به‌عنوان یک ابزار زبانی در پیوند با بافت اجتماعی، معنی و مفهوم ویژه‌ای پیدا می‌کنند. ارزش‌ها، اخلاق‌ها، عاطفه‌ها و هنجارهای ادراکی در این‌گونه شعرها، تغییر یافته، جمله‌های زبان در نسبت با گوینده آن و پشتوانه بینشی و نگرشی خاص (دینی، اجتماعی و سیاسی) او، ساختار نوشتاری و نحوی ویژه‌ای را در متن به وجود آورده است. مجموعه شعر «دری با خانه خورشید» اثر سلمان هراتی (۱۳۶۵-۱۳۳۸) را ورق می‌زنیم و سازماندهی شعر او را در نسبت به ادبیات انقلاب اسلامی، در این گزاره می‌رود، بررسی می‌کنیم؛ شعرهای مجموعه «دری به خانه خورشید» هم موزون، هم بی‌وزن‌اند شاعر در شعرهای بی‌وزن عروضی خود، خلاقیت و تخیل بیشتری از خود نشان داده و با واژه‌های «آفتاب»، «صبح» و «ستاره» و «شب»، چهره‌ای متفاوت از معنی و مفهوم زبانی در گستره عام، ترسیم کرده است. «دیگران را بگذار / دل به آفتاب بسپار / نگاه کن چگونه هر بامداد / صبور و سربلند / از شاخه‌های خاکستری صبح بالا می‌آید / و ستارگان، چگونه از روشنائی‌اش شرمند می‌شوند، خاموش می‌شوند / دیگران را بگذار». (هراتی، ۱۳۶۷، ص ۳۴) هراتی در این کتاب، در نیایش‌واره‌هایش، نگاهی عرفانی و فرازمینی دارد و کائنات و ابر و ستاره و شبنم و درخت نیلوفر و گیاهان و موجودات دیگر را بهانه‌هایی برای رسیدن به حقیقت‌های هستی و بازنمایی و بازگویی آن‌ها برگزیده است: «نیلوفرانه / به آسمان دهان باز می‌کنم / ای آفریننده شبنم و ابر / آیا تشنگی مرا پایان می‌دهی؟

تقریر چیست؟ می‌خواهم از تو سرشار باشم. (همان، ص ۵)

پاره‌ای از شعرهای این شاعر، از تخیل شاعرانه و آرایه ادبی کمتری برخوردارند و برخی عبارت‌ها، بیانیه‌ای است و بار هنری و شعری ندارند: «ای برادر مردم / که زندگی را ساده زیستی! / ای پاسدار ساده / تو را سرودن چه دشوار است». (هراتی ۱۳۶۷، ص ۴۶) پشت ظاهر آفاقی شعرهای این شاعر، نگاهی انفسی، الهی و دینی، آشکار است: «عید، «حَوْلِ حَالِنَا» است / که واجب است بفهمم / عید، شوقی است / که پدرم را به مزرعه می‌خواند / عید، تن‌پوش کهنه باباست / که مادر / آن را به قد من کوک می‌زند / و من آن‌قدر بزرگ می‌شوم / که در پیراهن می‌گنجم / عید، تقاضای سبز شدن است / یا مقلب‌القلوب!» (همان، ص ۲۳)

کلام هراتی در این مجموعه شعر، رنگ‌به‌رنگ، سرشار از حس، عاطفه، ادراک و فهم است و هراتی در تصویر کردن معرفت و جهان‌شناختی دینی خود، موفق است و شعرهای او در فضایی باز و گسترده، طبیعت اطراف و اخلاق زندگی‌اش او را بازتاب داده است. شعر برای هراتی، سرود است و ترانه؛ عشق است و امید، نشاط است و آواز و لبخند: «نشاط سرودهایم را حفظ



تاریخچه فرهنگستان‌ها در ایران^۱

به مناسبت ۲۶ شهریور تشکیل فرهنگستان سوم در سال ۱۳۶۹
فرهنگستان اول

در ۲۹ اردیبهشت ۱۳۱۴ برای اصلاح زبان و خط فارسی به فرمان رضا شاه تأسیس شد و تا سال ۱۳۳۳ فعالیت کرد. آن را فرهنگستان اول نامیده‌اند. وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه اساسنامه فرهنگستان را در شانزده ماده تنظیم کرد که به تصویب هیئت وزرا رسید. در ۲۹ اردیبهشت ۱۳۱۴، رضاشاه فرمان تشکیل فرهنگستان ایران را صادر کرد.

نخستین جلسه فرهنگستان روز دوشنبه ۱۲ خرداد ۱۳۱۴ در عمارت سابق دانشکده حقوق به ریاست محمدعلی فروغی (ذکاءالملک) نخست‌وزیر وقت تشکیل شد و تا شهریور ۱۳۲۰ به مدت شش سال به فعالیت پرداخت. در این مدت طرح‌های تازه‌ای در زمینه زبان و ادبیات ریخته شد و تعدادی اصطلاحات فنی و علمی به وسیله فرهنگستان برگزیده و رواج داده شد که مجموعه‌ای از آن به نام «واژه‌های نو» انتشار یافت. کتاب نخستین فرهنگستان ایران از جواد مهدویان، روایتی مستند از چگونگی شکل‌گیری این تشکیلات است.

وظایف فرهنگستان طبق اساسنامه عبارت بود از «ترتیب فرهنگ به قصد رد

می‌کنم/ و ترانه‌هایم را از زیبایی می‌آکنم و با تمام حنجره‌های صبور/ آواز می‌خوانم/ میان آفتاب و مردم راه می‌روم/ و ترانه‌هایم را که از امید سرشارند/ در جیبشان می‌ریزم/ و دفتر لبخندهایم را/ با مردم کوچه و خیابان / ورق می‌زنم. (هراتی ۱۳۶۷، ص ۴۴) شعر «جمهوری گل محمدی» این شاعر، آینه تمام نمای ایمان و اعتقاد او به حضرت امام (ره) و نظام جمهوری اسلامی ایران است و بی‌سبب نیست که این شاعر را یکی از چهره‌های برجسته ادبیات انقلاب اسلامی به شمار آورده‌اند. او در این شعر به نسبت بلند، که ما را به یاد شعرهای صفارزاده و موسوی گرمارودی می‌اندازد، امام (ره) را این‌گونه توصیف کرده است: «با تو جز آفتاب/ دمساز نیست/ تو را جز بهار و درخت/ نمی‌شکیند/ در شگفتم/ چگونه از حضور تو می‌نالند/ عجب! به آتش می‌کشاند مرا/ ناسپاسی‌شان». (هراتی ۱۳۶۷، ص ۳۰) یا در بند دیگری از این شعر، می‌خوانیم: «تو تنها چشمه‌سار روشن این غرابت روبه‌زوالی/ تو همان بلالی/ که از مأذنه این شوره‌زار/ بانگ محمدی می‌افشانی».

این را هم از سویی دیگر، فراموش نمی‌کنیم که هراتی در عین درون‌گرایی و انتزاعی بودن در اندیشه و توجه ویژه‌اش به فطرت الهی کائنات، شاعری واقع‌بین و برون‌گراست و در سطح کلام، او طبیعت و تنوع حیات، همواره نقشی سازنده دارند: «تابستان پابره‌نه/ از ساحل رودخانه گذشت/ پاییز از جنگل سرازیر شد/ با طغیان آب‌ها/ و رقص برگ‌ها/ تن نمناک خاک را فرامی‌گیرد/ اما من هنوز گرمم/ از آن نگاه تابستانی و سبز». (هراتی ۱۳۶۷، ص ۱۱) آنچه در شعرهای آزاد این شاعر، به روشنی به چشم می‌خورد، این است که او در نوشتن، بیشتر در اندیشه‌القای معنی است تا لفظ؛ از این رو، صورت و چارچوب شعرهای او، چندان پیوسته و منظم به نظر نمی‌رسد. کالبدشکافی ساختار و مشخصه‌های سبکی شعرهای او، در گزاره‌ای دیگر، قابل بررسی است.

منابع

- فارسی (۳) پایه دوازدهم، دوره متوسطه (۱۳۹۷). سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران. مؤلفان: حسین قاسم‌پورمقدم، شهناز عبادتی، محمدرضا سنگری و احمد تمیم‌داری.
- معین، محمد (۱۳۵۲). فرهنگ فارسی (دوره شش‌جلدی). تهران: امیرکبیر.
- هراتی، سلیمان (۱۳۶۷). دری به خانه خورشید. تهران: سروش.

^۱ نویسنده: دکتر حسن ذوالفقاری، مدیر گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی،

با استفاده از وبگاه: فرهنگستان زبان و ادب فارسی به نشانی <https://apll.ir>



رساندن دوهزار واژه تا سال ۱۳۲۰ بود.

نامه فرهنگستان در سال ۱۳۲۲ منتشر شد. از این نشریه، به سردبیری حبیب یغمایی، در سال اول چهار شماره، در سال دوم (۱۳۲۴) دو شماره، در سال سوم دو شماره، در سال چهارم یک شماره و در سال پنجم (۱۳۲۶) یک شماره منتشر شد.

ریاست فرهنگستان، به ترتیب، بر عهده این اشخاص بود: محمدعلی فروغی (اردیبهشت ۱۳۱۴)، حسن وثوق (آذر ۱۳۱۴)، علی اصغر حکمت (اردیبهشت ۱۳۱۷)، اسماعیل مرآت (مرداد ۱۳۱۷)، عیسی صدیق (مهر ۱۳۲۰)، بار دیگر محمدعلی فروغی (آذر ۱۳۲۰) و حسین سمیعی ادیب السلطنه (۱۳۲۱).

اعضای پیوسته فرهنگستان عبارت بودند از: ملک الشعرا بهار، علی اکبر دهخدا، محمدعلی فروغی، ابوالحسن فروغی، سعید نفیسی، سید نصرالله تقوی، صادق رضازاده شفق، بدیع الزمان فروزانفر، علی اصغر حکمت، عبدالعظیم قریب، حسین گل گلاب، رشید یاسمی، غلامحسین رهنما، ادیب السلطنه سمیعی، عیسی صدیق، کاظم عصار، فاطمی، قاسم غنی، ابراهیم پورداوود، عباس اقبال آشتیانی، محمد حجازی، محمد قزوینی، محمد تدین، مسعود کیهان، جلال همایی، غلامعلی رعدی آذرخشی، احمد بهمنیار، حسنعلی مستشار، سرهنگ مقتدر، مصطفی عدل، علی اکبر سیاسی، محمود حسابی.

اعضای وابسته فرهنگستان عبارت بودند از: محمدعلی جمالزاده، فخر ادهم، کریستن سن (دانمارک)، هانری ماسه (فرانسه)، یان ریکا (چکسلواکی)، منصور بیک فهمی، علی بیک الجارم، محمد رفعت پاشا (مصر)، آرتور پوپ (آمریکا)، محمد اقبال (پاکستان)، ربتس و پولوسکی (روسیه)، ر.ا. نیکلسون (انگلستان) هادی حسن و محمد حسنین هیکل (مصر).

گروه‌های فرهنگستان ایران عبارت بودند از: گروه لغت، گروه دستور، گروه

و قبول لغات و اصطلاحات در زبان فارسی، اختیار الفاظ و اصطلاحات در هر رشته از رشته‌های زندگانی، پیراستن زبان فارسی از الفاظ نامتناسب خارجی، تهیه دستور زبان، جمع‌آوری لغات و اصطلاحات پیشه‌وران و صنعتگران و الفاظ و اصطلاحات قدیمی و اشعار و امثال و قصص و نوادر و ترانه‌ها و آهنگ‌های ولایتی، هدایت افکار به حقیقت ادبیات و چگونگی نظم و نثر، تشویق شعرا و نویسندگان در ایجاد شاهکارهای ادبی، تألیف و ترجمه کتب سودمند و مطالعه و اصلاح خط فارسی»

بیشتر کوشش فرهنگستان صرف انتخاب معادل برای اصطلاح‌ها و واژگان خارجی شد. تأسیس انجمن ادبی فرهنگستان به ریاست ملک الشعرا بهار و تشکیل کمیسیون‌های زبان‌شناسی، باستان‌شناسی، قواعد و دستور زبان، تئاتر، موسیقی و ترانه‌ها نیز از جمله فعالیت‌های دیگر این دوره بوده است. از دیگر فعالیت‌های مهم فرهنگستان بازبینی در اصطلاحات علمی بود.

فرهنگستان ایران، در بهمن ۱۳۱۵ نظام‌نامه‌ای برای «بازبینی در اصطلاحات علمی» تصویب و در آن راه و روش و ضوابط معادل‌یابی را تعیین کرد. عملکرد فرهنگستان در این حوزه موفقیت‌آمیز و نتایج مصوبات آن از اقبال عمومی خوبی برخوردار شد؛ اما برخی اعضای برجسته آن، چون اعتقادی به واژه‌سازی نداشتند، نیازی به فعالیت پیگیر احساس نکردند. کمیسیون‌هایی نیز که برای تهیه فرهنگ و دستور زبان و مطالعه در اصطلاح‌های جغرافیایی و نشر متون قدیم در آن تشکیل یافت، دستاورد قابل توجهی نداشت. رفته‌رفته فرهنگستان اول دچار رکود شد و موقتاً در ۱۳۱۷ به مدت یک هفته منحل گردید و پس از بازگشایی مجدد تا ۱۳۲۰ به ریاست اسماعیل مرآت فعالیت داشت. از ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲، کار زبان‌پیرایی و واژه‌سازی فرهنگستان متوقف شد و فعالیت آن سازمان بیشتر جنبه ادبی و تحقیقی داشت. فرهنگستان ایران در سال ۱۳۳۳ رسماً تعطیل شد. از عملکردهای این فرهنگستان، به تصویب



سپس در سال ۱۳۶۰، با ادغام یازده مرکز و سازمان تحقیقاتی که فرهنگستان دوم نیز جزو آنها بود، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی پدید آمد.

در فرهنگستان دوم دو برنامه عمده در نظر بود:

- برنامه واژه‌گزینی که به گزینش معادل‌های فارسی برای واژگان و اصطلاحات بیگانه، اعم از اروپایی و عربی، اختصاص داشت؛
- بررسی و مطالعه درباره زبان‌ها و گویش‌های ایرانی.

طرح‌های تحقیقاتی فرهنگستان زبان ایران در نه پژوهشگاه سازمان یافت. وسیع‌ترین فعالیت این فرهنگستان در زمینه واژه‌گزینی بود و تا سال ۱۳۵۱، گروه‌های تخصصی واژه‌گزینی، مجموعاً ۶۶۵۰ واژه فارسی در برابر واژه‌های بیگانه پیشنهاد کردند. گروه واژه‌گزینی از نه کمیسیون علمی و فنی، پزشکی و کشاورزی و طبیعی، زبان و ادب، تاریخ، فلسفه و علوم اجتماعی و تربیتی و روان‌شناسی، هنرهای زیبا، ارتش، اقتصاد و بازرگانی، حقوق و علوم اداری و سیاسی و جغرافیا تشکیل می‌شد.

بسیاری از واژه‌های ساخته‌شده به وسیله این فرهنگستان به زبان روزمره فارسی وارد شده و در غنای زبان فارسی نقش سودمند داشته‌اند. حتی فرهنگستان زبان و ادب فارسی (فرهنگستان سوم) که پس از انقلاب تشکیل شد، بسیاری از این واژه‌ها را رسمیت داد و آنها را پذیرفت. این فرهنگستان در زمینه پژوهش‌های زبانی و چاپ آثار نیز موفقیت‌های چشمگیری داشت. مجموعه فرهنگ‌های بسامدی فرهنگستان زبان ایران نیز از کارهای درخشان این فرهنگستان به شمار می‌روند.

اصطلاحات پیشه، گروه کتب قدیم، گروه اصطلاحات ولایتی، گروه راهنما، گروه خط. بعد از مدتی این گروه‌های هفت‌گانه به گروه‌های شش‌گانه زیر تغییر یافت: گروه فرهنگ فارسی و واژه‌گزینی و گردآوری واژه‌ها، گروه دستور زبان، گروه جغرافیا، گروه دستور، گروه لغت، گروه کتب قدیم.

فرهنگستان دوم

در سال ۱۳۴۷ تأسیس شد و تا سال ۱۳۵۷ دایر بود. محمد مقدم، پایه‌گذار گروه‌های آموزشی زبان‌شناسی دانشگاه تهران، در سال ۱۳۴۲، نه سال پس از تعطیل شدن فرهنگستان ایران (فرهنگستان اول)، درباره خطر حضور و هجوم واژه‌های بیگانه به زبان فارسی هشدار داد. در رسانه‌ها نیز بحث‌هایی درباره لزوم حراست از زبان فارسی و پروراندن آن برای جواب‌گویی، به مقتضای پیشرفت‌های علمی و فنی جدید، در گرفت. با این مقدمات، زمینه بازگشایی فرهنگستان فراهم شد و در پنجم مرداد سال ۱۳۴۷ فرهنگستان زبان ایران (فرهنگستان دوم) تأسیس شد. در این دوره، فرهنگستان در پی تشکیل جلسه‌های شورای خود در سال ۱۳۴۹، چهار پژوهشکده واژه‌گزینی، گردآوری واژه‌های فارسی، زبان‌های باستانی و فارسی میانه و دستور را، به همت وزارت فرهنگ و هنر و ده نفر از اعضای پیوسته ایجاد کرد.

برخی از اعضای پیوسته فرهنگستان زبان ایران عبارت بودند از: صادق کیا، محمد مقدم، ذبیح بهروز، صادق رضازاده شفق، محمود حسابی، حسین گل‌گلاب، یحیی ماهیار نوابی، جمال رضایی، سپهد علی کریملو و مصطفی مقربی.

این فرهنگستان، پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، مدتی فعال بود؛



فرهنگستان سوم

بنا بر اصل پانزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، زبان فارسی، زبان رسمی و مشترک ملت ایران است، به منظور حفظ سلامت و تقویت و گسترش این زبان و تجهیز آن برای برآوردن نیازهای روزافزون فرهنگی و علمی و فنی و رفع تشنگی و ایجاد هماهنگی در فعالیت‌های مراکز فرهنگی و پژوهشی در حوزه زبان و ادب فارسی و سازمان دادن به تبادل گسترده و پربار تجربه در زمینه تحقیقات و مطالعات در این حوزه و صرفه‌جویی در نیرو و استفاده صحیح از کارشناسان و پژوهشگران و ایجاد مرجعی معتبر و برخوردار از وجهه و حیثیت جهانی در ایران، شورای عالی انقلاب فرهنگی اساسنامه فرهنگستان زبان و ادب فارسی را در جلسه‌های ۲۰۸ و ۲۰۹، مورخ ۶۸/۱۰/۲۶ و ۶۸/۱۱/۲۴ به تصویب رساند. نخستین جلسه شورای فرهنگستان در تاریخ ۶۹/۶/۲۶ به دعوت وزارت فرهنگ و آموزش عالی (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری امروز) در محل نهاد ریاست جمهوری برگزار شد. اهدافی که در اساسنامه برای فرهنگستان در نظر گرفته شده به شرح زیر است:

- حفظ قوت و اصالت زبان فارسی، به عنوان یکی از ارکان هویت ملی ایران و زبان دوم عالم اسلام و حامل معارف و فرهنگ اسلامی؛
- پروردن زبانی مهذب و رسا برای بیان اندیشه‌های علمی و ادبی و ایجاد انس با مآثر معارف تاریخی در نسل کنونی و نسل‌های آینده؛
- رواج زبان و ادب فارسی و گسترش حوزه و قلمرو آن در داخل و خارج از کشور؛
- ایجاد نشاط و بالندگی در زبان فارسی، به تناسب مقتضیات زمان و زندگی و پیشرفت علوم و فنون بشری با حفظ اصالت آن.

فرهنگستان سیزده گروه پژوهشی نیز دارد:

- آموزش زبان و ادبیات فارسی
- ادبیات انقلاب اسلامی
- ادبیات تطبیقی
- ادبیات معاصر
- برون‌مرزی
- تصحیح متون
- دانشنامه تحقیقات ادبی
- دانشنامه زبان و ادب فارسی در شبه‌قاره
- دستور زبان
- زبان و رایانه
- زبان‌ها و گویش‌های ایرانی
- فرهنگ‌نویسی و دستور زبان فارسی
- واژه‌گزینی





وظایفی که در اساسنامه برای فرهنگستان در نظر گرفته شده به شرح زیر است:

- سازمان دادن و تمشیت فعالیت‌های ناظر به حفظ میراث زبانی و ادبی فارسی؛
- تأسیس واحدهای واژه‌سازی و واژه‌گزینی و سازمان دادن واحدهای مشابه در مراکز دانشگاهی و دیگر سازمان‌های علمی و فرهنگی و هماهنگ ساختن فعالیت‌های آنان از راه تبادل تجارب؛
- نظارت بر واژه‌سازی و معادل‌یابی در ترجمه از زبان‌های دیگر به زبان فارسی و تعیین معیارهای لازم برای حفظ و تقویت بنیه زبان فارسی در برخورد با مفاهیم و اصطلاحات جدید؛
- کمک به معرفی و نشر میراث زبانی و ادبی فارسی به صورت اصلی و معتبر؛
- اهتمام در حفظ فرهنگ‌های علمی و مردمی و جمع‌آوری و ضبط و نشر امثال و حکم و کلیه اعلام و اصطلاحات فارسی در همه زمینه‌ها و بهره‌برداری از آنها برای پرورش و تقویت زبان و ادب فارسی؛
- سازمان دادن تبادل تجربه‌ها و دستاوردهای مراکز پژوهشی در حوزه زبان و ادب فارسی و تأمین موجبات بهره‌برداری صحیح از این تجربه‌ها؛
- بهره‌برداری صحیح از زبان‌های محلی (در داخل و خارج از ایران) به منظور تقویت و تجهیز این زبان و غنی ساختن و گسترده کردن دامنه کارکرد آن؛
- معرفی محققان و ادیبان و خدمتگزاران زبان و ادب فارسی و حمایت از نشر آثار ایشان و کمک به تأمین وسایل فعالیت علمی و فرهنگی آنان و فراهم آوردن موجبات تقدیر از خدمات آنها؛
- بررسی و تصویب نتایج فعالیت‌های مراکز پژوهشی و فرهنگی که تهذیب و اصلاح یا توسعه و تقویت زبان فارسی مفید شمرده می‌شوند و ابلاغ و توصیه کاربرد آنها به مؤسسات علمی و فرهنگی و سازمان‌ها و نهادهای عمومی.

طبق اساسنامه، فرهنگستان دارای اعضای پیوسته، وابسته و افتخاری است. اعضای پیوسته به انتخاب رئیس‌جمهور و اعضای وابسته و افتخاری به انتخاب اعضای شورا و با حکم رئیس فرهنگستان منسوب می‌شوند. تعداد اعضای پیوسته ایرانی حداقل پانزده و حداکثر بیست و پنج نفر و تعداد اعضای پیوسته غیر ایرانی ده نفر است. شورای فرهنگستان زبان و ادب فارسی با حضور حداقل دوسوم اعضای پیوسته فرهنگستان رسمیت می‌یابد و تصمیمات آن با اکثریت حداقل دوسوم آرای اعضای حاضر معتبر است. این شورا هر دو هفته یکبار در محل فرهنگستان زبان و ادب فارسی تشکیل می‌شود.

برجسته‌ترین کارهای فرهنگستان واژه‌سازی بوده که گروه واژه‌سازی واژه‌های بیگانه را در حوزه عمومی و تخصصی بررسی و معادل‌یابی می‌کند، در حال حاضر، هفتاد گروه تخصصی و شورای هماهنگی زیر نظر گروه واژه‌گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی فعالیت دارند. حاصل کار واژه‌گزینی تاکنون ساخت حدود سی هزار واژه بوده است. در کنار آن انتشار ده‌ها مجلد واژه‌نامه و برگزاری نشست علمی را نیز در کارنامه خود دارد.

از اقدامات مهم دیگر فرهنگستان تدوین فرهنگ جامع زبان فارسی در گروه فرهنگ‌نویسی بوده است. منظور از تدوین این فرهنگ، ارائه تصویری همه‌جانبه از واژگان زبان فارسی، در طول تاریخ تکوین این زبان و ایجاد امکان دستیابی به انواع اطلاعات واژگانی، شامل تلفظ، هویت دستوری، معانی، ریشه تاریخی و جز آن است. جلد اول آن هم‌اکنون چاپ شده است. یک‌دست کردن رسم‌الخط کتاب‌های درسی از اقدامات مهم گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی بود.

رئیس رسانه ملی افزود: با توجه به سرعت تحولات دانش و فناوری در دنیا و خلق واژه‌های جدید، اگر فرهنگستان به موقع واژه‌های فارسی نو را خلق کند، صداوسیما برای ترویج آن واژه‌ها سریعاً به میدان می‌آید. رئیس سازمان صداوسیما با اشاره به اینکه استفاده از زبان فارسی در جامعه، مردم را به سبک زندگی ایدئال سوق می‌دهد گفت: نباید اجازه دهیم که افتخار کردن به استفاده از زبان بیگانه رواج یابد و برخی افراد این کار را نشانه برتری و باسوادتر بودن بدانند.

دکتر علی‌عسگری با اشاره به اقدامات انجام یافته در رسانه ملی گفت: از جمله اقدامات مهمی که تأکید دارم حتماً اتفاق بیفتد ترویج استفاده صحیح از زبان فارسی در برنامه‌های خردسالان و کودکان در شبکه پویاست.

رئیس رسانه ملی، با استقبال از پیشنهاد رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی در تنظیم یک برنامه پنج‌ساله برای

هدف‌گذاری رسیدن به نقطه مطلوب در این حوزه، از معاون برنامه‌ریزی و نظارت رسانه ملی خواست تا با یک برنامه‌ریزی دقیق پنج‌ساله، پیشرفت این موضوع عمیق‌تر رصد و پیگیری شود.

دکتر علی‌عسگری به تصویب آیین‌نامه تشویق و تنبیه در رسانه ملی برای استفاده صحیح از زبان فارسی در تمام برنامه‌ها نیز گفت: هر جا اقدام مؤثری شود تشویق می‌کنیم و هر جا خطایی صورت گیرد، با در نظر گرفتن مراحل مشخص شده، اقدام تنبیهی صورت خواهد گرفت.

دکتر علی‌عسگری با اشاره به ضرورت مشارکت مردم در زمینه خلق و طراحی واژه‌های فارسی جدید اظهار کرد: آمادگی داریم در شبکه آموزش برنامه‌ای طراحی کنیم و در آن برنامه از مردم بخواهیم در خلق واژه‌های فارسی مشارکت کنند، چراکه اگر مردم خود به میدان بیایند زودتر آن واژه را می‌پذیرند و از آن استفاده می‌کنند.

همچنین دکتر علی‌عسگری افزود: همان‌طور که بارها گفته‌ام صداوسیما به تنهایی نمی‌تواند در این حوزه موفق باشد و باید دیگر سازمان‌ها و نهادها مثل آموزش و پرورش، وزارت علوم، صنعت و... نیز برای فرهنگ‌سازی استفاده صحیح از زبان فارسی به میدان بیایند. برای مثال چرا باید یک شرکت یا کالا با نامی بیگانه فعالیت کند یا عرضه شود؟

انتخاب برترین‌ها در حوزه زبان و ادب فارسی در جشنواره‌هایی که صداوسیما برگزارکننده آن‌هاست نیز دیگر نکات تشویقی در این زمینه بود که رئیس رسانه ملی به آن اشاره کرد.



امضای تفاهم‌نامه همکاری مشترک

رسانه ملی با فرهنگستان زبان و ادب فارسی

سه‌شنبه، بیست و ششم شهریورماه ۱۳۹۸، مراسم امضای تفاهم‌نامه مشترک رسانه ملی با فرهنگستان زبان و ادب فارسی، با محوریت حفظ و حراست زبان و خط فارسی و ارتقای سطح دانش زبانی و ادبی جامعه، با حضور رئیس و معاونان رسانه ملی و رئیس و جمعی از اعضای فرهنگستان زبان و ادب فارسی در ساختمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران برگزار شد.

حفظ و حراست زبان و خط فارسی، ارتقای سطح دانش زبانی و ادبی جامعه، تأکید بر نقش زبان فارسی در استحکام وحدت ملی و پیشرفت علمی کشور، شناخت گنجینه‌های ادب فارسی، به‌کارگیری شیوه‌های درست‌نویسی و درست‌گویی، به‌کارگیری واژه‌های فارسی در نوشتار و گفتار برنامه‌ها، حفاظت از زبان‌ها و گویش‌های ایرانی، آموزش و گسترش زبان فارسی در میان ایرانیان خارج از کشور و آشنایی نسل جوان با لطایف ادبیات فارسی از مهم‌ترین اهداف این تفاهم‌نامه است.

عبدالعلی علی‌عسگری، رئیس سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، با تأکید بر اینکه زبان فارسی میراث مشترک ملت بزرگ ایران است و عناصر هویت و فرهنگ ملت ما را تشکیل می‌دهد، گفت: صداوسیما در این حوزه جایگاه مهم خود را می‌شناسد و برای صیانت از این میراث ارزشمند اقدامات خوبی را انجام داده است.

دکتر علی‌عسگری با اشاره به اینکه در کنار تهاجم فرهنگی تحمیل شده به کشور، یک موج تهاجم به واژه‌های فارسی نیز صورت گرفته است، گفت: نباید با این هجمه‌ها منفعلانه برخورد کرد.

وی با اشاره به اینکه در صورت تثبیت واژه بیگانه‌ای در جامعه، تغییرش محال و یا دشوار است اظهار کرد: فرهنگستان زبان و ادب فارسی باید برای جلوگیری از این مشکل با فوریت و به‌موقع نسبت به ابداع واژه جایگزین اقدام کند.

دکتر علی‌عسگری:

از جمله اقدامات مهمی که تأکید دارم

حتماً اتفاق بیفتد ترویج استفاده صحیح

از زبان فارسی در برنامه‌های

خردسالان و کودکان در شبکه

پویاست.

در ادامه دکتر میرباقری، معاون سیمای رسانه ملی، با بیان اینکه در معاونت سیمای، یک دفتر ویژه به این مهم اختصاص دارد گفت: در حال حاضر ده برنامه از شبکه‌های مختلف روی آنتن داریم که مستقلاً به زبان فارسی می‌پردازند. همچنین ده میان‌برنامه به صورت مستمر و با تکرارهای فراوان از شبکه‌های مختلف سیمای پخش می‌شود که از جمله آن‌هاست: قند پارسی، مثل‌نامه، گنج مثنوی و

دکتر میرباقری با اشاره به اینکه سالانه یک میلیون ساعت برنامه از شبکه‌های رسانه ملی پخش می‌شود گفت: این حجم برنامه مستلزم این است که شما نیز در فرهنگستان انرژی بیشتری بگذارید و برای صدها عوامل برنامه‌ساز دوره‌های آموزشی برگزار کنید.

ادامه متن این خبر در نشانی زیر است:

<https://apll.ir/1398/06/27/امضای-تفاهم‌نامه-همکاری-مشترک-رسانه-م-https://apll.ir/1398/06/27/>

فراخوان نهمین دوره جایزه دکتر مجتبائی

جایزه دکتر فتح‌الله مجتبائی هرساله در دی‌ماه به بهترین پایان‌نامه دوره دکتری در رشته‌های «ادیان و عرفان» و «زبان و ادبیات فارسی»، با هدف ارتقاء علمی و تشویق دانشجویان دوره دکتری رشته‌های مذکور، اهدا می‌شود. دانشجویان دوره دکتری در این دو رشته که در سال ۱۳۹۷ از پایان‌نامه خود دفاع کرده‌اند می‌توانند یک نسخه از پایان‌نامه خود را، همراه با ذکر نشانی و مشخصات، تا پایان مهر ۱۳۹۸ به دبیرخانه این جایزه، واقع در خیابان شهید بهشتی، خیابان شهید احمد قصیر (بخارست)، نبش کوچه سوم، شماره ۸، مرکز فرهنگی شهر کتاب ارسال کنند.

هیئت‌داوران این جایزه متشکل از دکتر فتح‌الله مجتبائی، دکتر ضیاء موحد، دکتر حسین معصومی همدانی، دکتر شهرام پازوکی، دکتر محمود فتوحی رودمعجنی، دکتر مسعود جعفری جزی، دکتر محمدرضا عدلی، و با دبیری علی اصغر محمدخانی است.

پایان‌نامه‌های ارسالی به دبیرخانه این جایزه برگشت داده نمی‌شوند و شرکت‌کنندگان باید از ارسال پایان‌نامه‌هایی که پیش یا پس از سال ۱۳۹۷ دفاع کرده‌اند، خودداری کنند.

گفتنی است پایان‌نامه برگزیده به همت انتشارات هرمس به صورت کتاب منتشر می‌شود.

<https://apll.ir/1398/06/25/فراخوان-نهمین-دوره-جایزه-دکتر-مجتبائی-https://apll.ir/1398/06/25/>

رئیس رسانه ملی از رئیس دانشگاه صداوسیما نیز که در این نشست حضور داشت، خواست در این حوزه اهتمام ویژه داشته باشد و دانشجویانی با اشراف به زبان و ادبیات فارسی تربیت کند.

در پایان دکتر علی‌عسگری به این نکته اشاره کرد که تکلم صحیح و زیبایی زبان فارسی در جامعه، هدف ما در صداوسیما است و فرهنگ‌سازی و صیانت از این هویت کشور را وظیفه خود می‌دانیم.

دکتر غلامعلی حداد عادل، رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی، نیز در این نشست با بیان اینکه صداوسیما، به‌خصوص پس از توصیه مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در صیانت از زبان فارسی جدی‌تر به میدان آمده و عملکردش قابل قبول است، گفت: از رسانه ملی می‌خواهیم در هجوم سیل آسای واژه‌های بیگانه، قدرتمندتر عمل کند.

دکتر حداد عادل افزود: زبان مثل هر پدیده اجتماعی دیگری به رصد، مراقبت و برنامه‌ریزی نیاز دارد تا دچار آسیب نشود. بعضی آسیب‌ها را باید درمان و برای بعضی نیز باید آینده‌نگری کرد.

رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی، صداوسیما را صدای ملت ایران خواند و افزود: ما در کشوری زندگی می‌کنیم که زبان فارسی از جمله دغدغه‌های هر دو رهبر فرزانه آن بوده و حیف است که زبان این جامعه چنین جامعه‌ای دستخوش تهاجم شود.

وی با اشاره به همکاری‌های مستمر شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی با فرهنگستان و اقدامات خوب صداوسیما در زمینه پاسداری از زبان فارسی گفت: یکی از این اقدامات ارزشمند سازمان صداوسیما تهیه برنامه‌ای جامع و کاربردی است که با نصب بر روی تلفن‌های همراه مجریان، نویسندگان و گویندگان می‌توانند در لحظه معادل‌های مصوب فرهنگستان برای واژه‌های فارسی را جست‌وجو و استفاده کنند.

دکتر حداد عادل به تشکیل شورایی در سازمان صداوسیما برای ارتباط مستمر با فرهنگستان اشاره کرد و گفت: این اقدام خوبی است که بتوانیم با تعامل و همکاری بیشتر به اهدافمان برسیم و صداوسیما بتواند بیش از پیش از ظرفیت‌های فرهنگستان برای برنامه‌سازی استفاده کند.

در ادامه خانم مهنوش تهرانی، رئیس دفتر ارتباط با صداوسیمای فرهنگستان افزود: در ده سال گذشته با تمام شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی همکاری‌های مفیدی داشته‌ایم و امیدواریم با تشکیل شورای زبان و ادب فارسی در صداوسیما این ارتباطات به حداکثر برسد.

وی با قدردانی از رسانه ملی به چند برنامه و شبکه شاخص که فعالیت‌های چشمگیری داشته‌اند اشاره کرد و گفت: برای مثال در برنامه «صبح‌به‌خیر ایران» در شبکه یک سیمای و در رادیو فرهنگ، رادیو ایران، رادیو جوان و رادیو گفت‌وگو به‌طور ویژه به فعالیت‌های فرهنگستان پرداخته می‌شود.

بنیاد پژوهشی شهریار به روایت تصویر

چهارمین سخنرانی از سلسله سخنرانی های بنیاد پژوهشی شهریار در سال ۱۳۹۸

شعر در مانی

سخنران : آقای دکتر سید بیوک محمدی



عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی
و مطالعات فرهنگی

زمان : پنجشنبه ۳ مرداد ، ساعت ۶ بعد از ظهر
مکان : تبریز ، چهارراه باغشمال ، بنیاد پژوهشی شهریار

دومین جلسه معرفی نقد کتاب از سلسله نشست های نقد کتاب بنیاد پژوهشی شهریار در سال ۱۳۹۸

تاریخ نویسی در ایران :

نقد و بررسی منابع برگزیده (از ابوعلی بلعمی تا میرزا آقا خان کرمانی)

مولف : دکتر عباس قدیمی قیداری



ناشر : انتشارات سمت
(سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها)

منتقدان :

آقای دکتر ناصر صدیقی (دانشیار گروه تاریخ تبریز)
آقای دکتر رحمان مشتاق مهر (استاد دانشگاه شهید مدنی آذربایجان)

زمان : پنجشنبه ۱۰ مرداد ۹۸ ، ساعت ۶ بعد از ظهر
مکان : چهارراه باغ شمال ، بنیاد پژوهشی شهریار



پنجمین سخنرانی از سلسله سخنرانی های بنیاد پژوهشی شهریار در سال ۱۳۹۸

ادبیات ستیز و ادبیات تفاهم (بررسی محتوایی شعر معاصر ایران)



آقای دکتر باقر صدری نیا

استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تبریز

زمان : پنجشنبه ۱۷ مرداد: ساعت ۶ بعد از ظهر
مکان : تبریز ، چهارراه باغشمال ، بنیاد پژوهشی شهریار



ششمین سخنرانی از سلسله سخنرانی های بنیاد پژوهشی شهریار در سال ۱۳۹۸

داستان نویسی روسیه

آقای دکتر صمد رحمانی

نویسنده و منتقد ادبی



زمان : پنجشنبه ۲۴ مرداد: ساعت ۶ بعد از ظهر
مکان : تبریز ، چهارراه باغشمال ، بنیاد پژوهشی شهریار



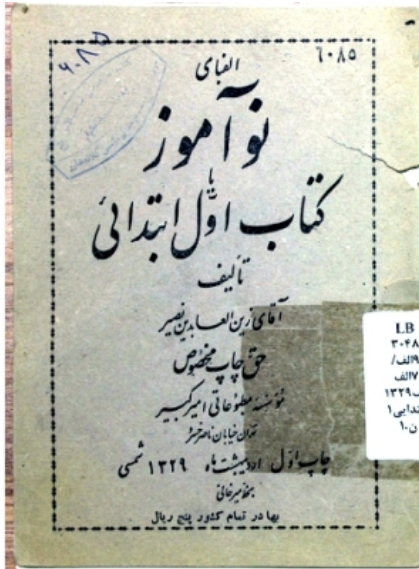
دکتر باقر صدری نیا



دکتر صمد رحمانی

معرفی کتاب درسی - الفبای نوآموز یا کتاب اول ابتدایی (۱۳۲۹ش)

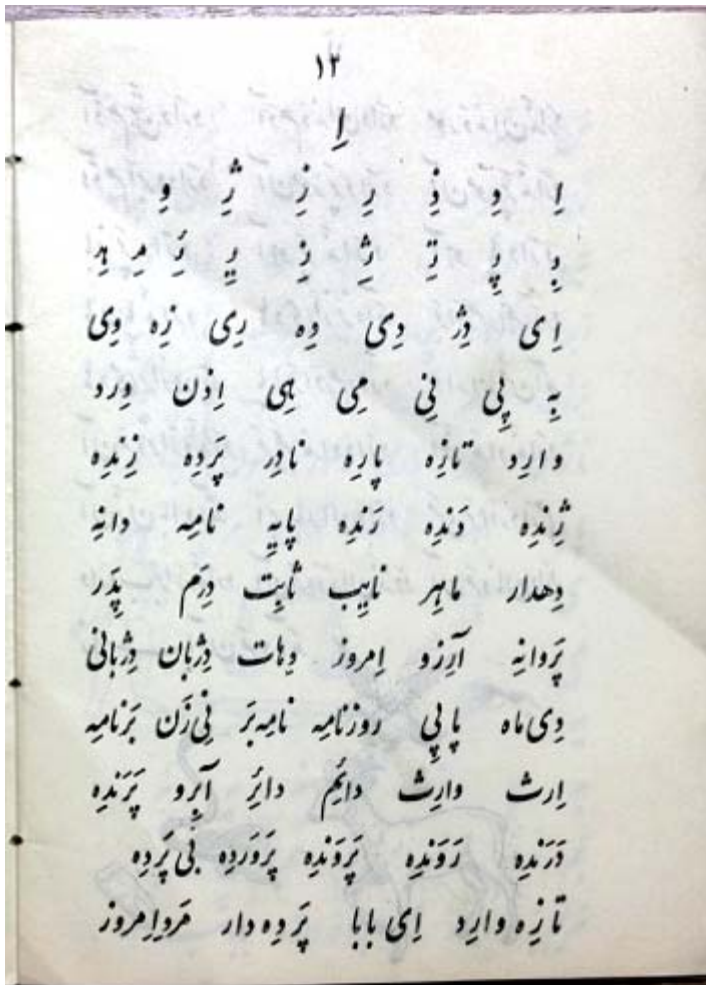
محدثه طاهری^۱



کتاب‌شناسی	
عنوان کتاب	فارسی
موضوع	آموزش الفبای فارسی
نام مؤلفان	زین‌العابدین نصیر
نام تصویرگر	-
نام خطاط	میرخانی
سال تألیف	۱۳۲۹ شمسی
پایه، مقطع، رشته	اول، دبستان
ناشر و مشخصات چاپ	مؤسسه مطبوعاتی امیرکبیر، چاپ اول، اردیبهشت ۱۳۲۹ شمسی

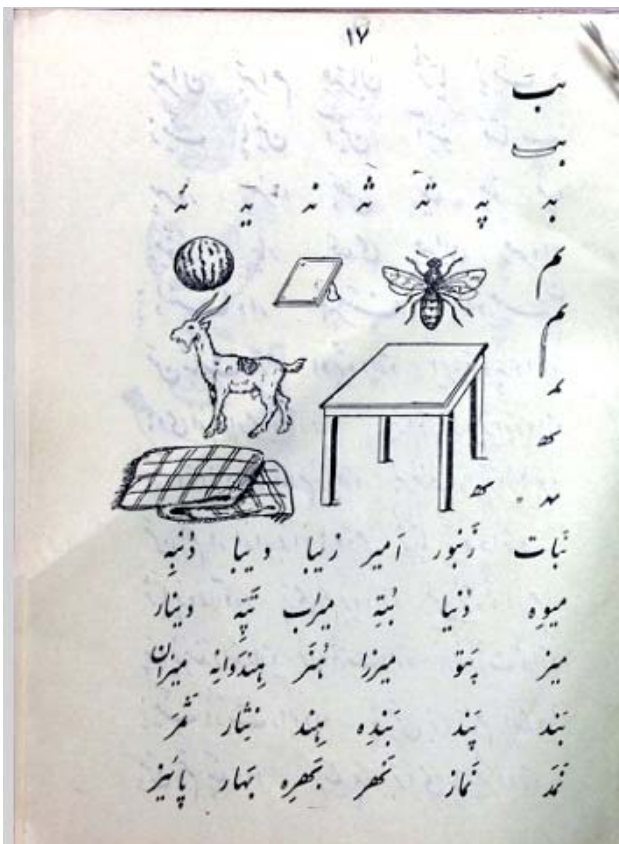
کتاب با آموزش حروف الفبا و سپس واژه‌ها آغاز می‌شود و در برخی صفحات، برای آموزش واژه‌ها، تصاویر آن‌ها رسم شده است. پس از آموزش هر حرف، چند جمله کوتاه و ساده ذکر شده است. از ویژگی‌های بارز کتاب، توجه ویژه به واژه‌ها و جملات زیاد و متنوع برای یادگیری حروف و فهم بهتر مطالب است و به همین جهت اکثر جملات به هم ارتباطی ندارند و متون، مفاهیم خاص و مرتبطی را دنبال نمی‌کند. در انتهای کتاب، جملات کمی پیچیده‌تر می‌شوند و چند صفحه پایانی کتاب به متون غیر منسجم اختصاص پیدا می‌کند، در میان این متون چند بیت شعر هم به چشم می‌خورد که همگی از گلستان سعدی است. برخی اصطلاحات قدیمی در این کتاب به چشم می‌خورد؛ برای مثال در صفحه اول کتاب، حروفی مثل (ا، د، ذ، ر، ز، ژ و) را که از سمت چپ به حروف دیگری متصل نمی‌شود «حروف منفصله» و حروف دیگر را که به هم متصل می‌شود، حروف «متصله» می‌نامد. تصاویر کتاب ساده و به صورت نقاشی سیاه‌قلم است و رنگی نیست. از نکات مهم هنری کتاب، خط نستعلیق آن است که دانش‌آموزان را از همان ابتدا با این خط آشنا می‌کند که به این موضوع در یادداشت پایانی مؤلف نیز اشاره شده است. این یادداشت استنباط می‌شود هم‌زمان کتاب‌های متعددی برای سال اول و به قول مؤلف برای مبتدیان و احتمالاً دیگر پایه‌ها به نگارش در می‌آمده و مدارس و آموزگاران حق انتخاب برای تدریس هر کدام داشته‌اند.

دسترسی به این کتاب: <https://apll.ir/wp-content/uploads/2019/07/AZ-D-3-01.pdf>

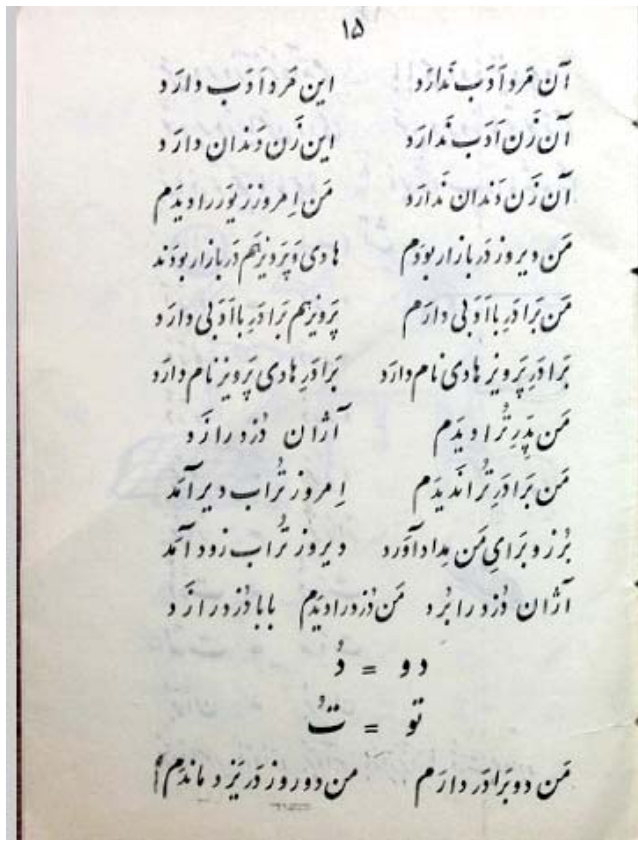


ساختار کتاب	
تعداد صفحه	یک، ۴۸ صفحه
متن کتاب	آموزش الفبا فارسی
تمرین	ندارد
واژه‌نامه	ندارد
نمایه	ندارد
تصویر	دارد
منابع	ندارد

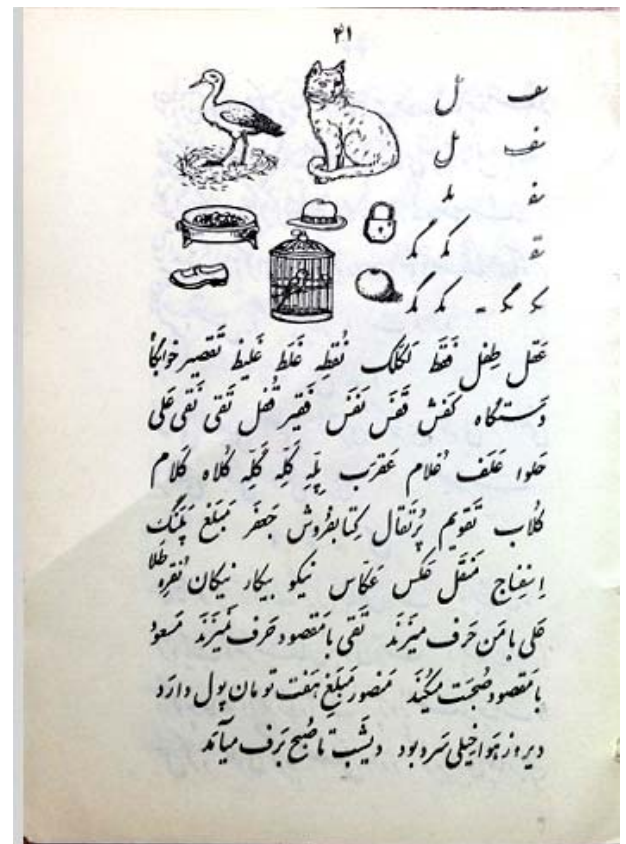
۱ دانشجوی رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران



صفحه ۱۷



صفحه ۱۵



صفحه ۲۱

ترتیب آموزش حروف الفبا در کتاب الفبا نوآموز یا کتاب اول ابتدایی (۱۳۲۹ش) نامرتب است و بیشتر بر اساس ترکیب حروف برای تشکیل واژه تنظیم می‌شود. ترتیب زیر تا حدودی رعایت شده است:

آ، ا، د، ذ، ز، ژ، و، ب، پ، ت، ث، ن، ی، بی، پی، تی، ذ، و، ی، م، ه، ه، آ، ا، ای، ای، ا، ا، ج، چ، ح، خ، ع، غ، س، ش، ض، ط، ظ، ف، ق، ل، ک

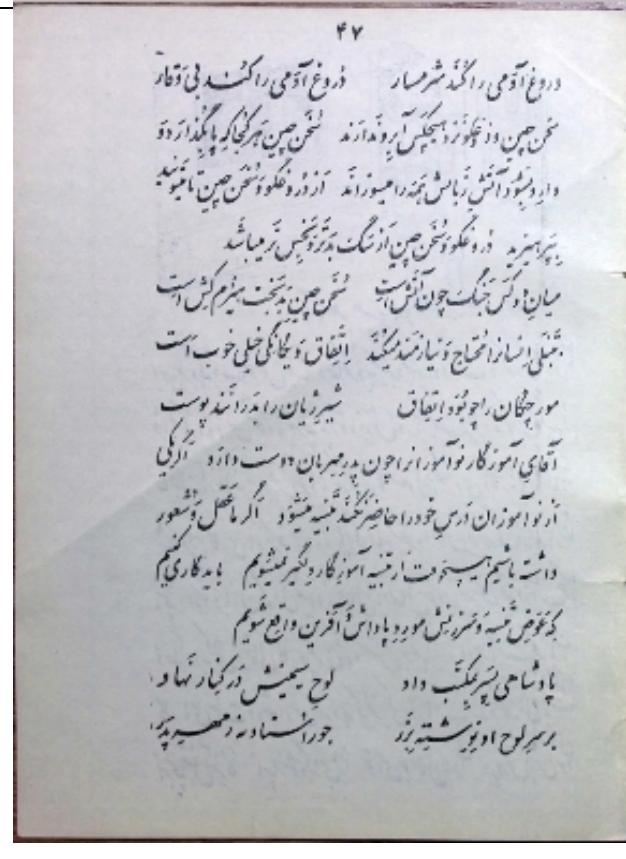
همان‌طور که در توضیحات صفحه قبل اشاره شد، پس از آموزش هر حرف، نمونه‌ها و واژه‌ها و جملات مختلفی برای دانش‌آموزان ذکر شده است. هفت صفحه پایان کتاب مجموعه‌ای از جملات و عبارات ناپیوسته و گاهی غیرمرتبط است که فقط به منظور آموزش کنار هم آمده است.



صفحه ۲۶



صفحه ۲۸



صفحه ۲۷

روزشمار رویدادهای ادبی مرداد ۱۳۹۸

فاطمه نیک خواه^۱

مناسبت‌ها	روزهای هفته / هجری شمسی
بزرگداشت فتح‌الله مجتبائی - سخنران: غلامعلی حداد عادل و نصرالله پورجوادی - فرهنگستان زبان و ادب فارسی https://apll.ir/1398/05/05/بزرگداشت-دکتر-فتح-الله-مجتبائی-برگزا	سه‌شنبه ۱ مرداد
بیست‌و‌چهارمین نشست از مجموعه درس‌گفتارهایی درباره عبید زاکانی با عنوان «انبان قلماشی» - سخنران: مهدی محبتی - مرکز فرهنگی شهر کتاب http://www.bookcity.org/detail/18513/root/Lectures	چهارشنبه ۲
چهارمین سخنرانی از سلسله سخنرانی‌های بنیاد پژوهشی شهریار با موضوع «شعر درمانی» - سخنران: سید بیوک محمدی - تبریز، بنیاد پژوهشی شهریار	پنجشنبه ۳
همکاری مؤسسه لغت‌نامه دهخدا و کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران برای ترمیم نسخ خطی https://ut.ac.ir/fa/news/8908/همکاری-مؤسسه-لغت-نامه-دهخدا-و-کتابخانه-مرکزی-و-مرکز-اسناد-دانشگاه-تهران-برای-ترمیم-نسخ-خطی	یکشنبه ۶
آیین نکوداشت پرویز اذکابی - سخنران: محمد باقری، پروین بهرام گنابادی، نصرالله پورجوادی، میر جلال‌الدین کزازی و داریوش رحمانیان - سالن فردوسی خانه اندیشمندان علوم انسانی http://khaneandishmandan.ir/index.php/-انجمن-علمی-روان-درمانی-ایران-۵۰-نکوداشت-ها-و-بزرگداشتها/۶۰۵-گزارش-برگزاری-آیین-نکوداشت-استاد-پرویز-اذکابی	سه‌شنبه ۸
نقد و بررسی کتاب «درآمدی بر شعر معاصر آمریکا» - سخنران: کامران احمدگلی، بهادر باقری و مسعود جعفری‌جزی - مرکز فرهنگی شهر کتاب http://www.bookcity.org/detail/18528/root/meetings	
شب منوچهر مرتضوی - سخنران: معصومه معدن‌کن، نصرالله امامی، مینو امیرقاسمی، باقر صدری‌نیا، علی دهباشی، سجاد آیدنلو، محمدرضا ضیا، محمد ابراهیم‌پور و جواد رنجبر - تبریز، مجتمع فرهنگی ۲۹ بهمن http://www.iranboom.ir/tazeh-ha-sp-۲۸۵۹۲۹۷۲/gozaresh/۱۷۴۸۵-shab-bokhara-manochehr-mortazavi.html	چهارشنبه ۹
بیست‌و‌پنجمین نشست از مجموعه درس‌گفتارهایی درباره عبید زاکانی با عنوان «طنازی‌های بازیگوشانه - پرخاشگرانه عبید» - سخنران: ابوالفضل حری - مرکز فرهنگی شهر کتاب http://www.bookcity.org/detail/18552/root/Lectures	
دومین جلسه معرفی نقد کتاب از سلسله نشست‌های نقد کتاب بنیاد پژوهشی شهریار، نقد کتاب «تاریخ‌نویسی در ایران» - سخنران: ناصر صدقی و رحمان مشتاق مهر - تبریز، بنیاد پژوهشی شهریار	پنجشنبه ۱۰
انتشار صدوشانزدهمین شماره دوماهنامه چشم‌انداز ایران در بررسی محتوای آموزشی مدارس ایران - پایگاه خبری رب http://rabnews.ir/10244/دوماهنامه-چشم-انداز-ایران-به-محتوای-آ	یکشنبه ۱۳

^۱ دانشجوی رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران

مناسبت‌ها	روزهای هفته / هجری شمسی
انتشار کتاب «تاریخ به روایت کتاب‌های درسی» - پایگاه خبری رب http://rabnews.ir/10259/	دوشنبه ۱۴
برگزاری نمایشگاه «مشروطه» - سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران http://www.nlai.ir/enterprise-news/-/asset_publisher/5Xxp6q5vfs9r/content/--6804	"
افتتاح نمایشگاه نقاشی خط اعضای کتابخانه ملی - سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران http://www.nlai.ir/enterprise-news/-/asset_publisher/5Xxp6q5vfs9r/content/--6821	سه‌شنبه ۱۵
بیست‌وششمین نشست از مجموعه درس‌گفتارهایی دربارهٔ عبید زاکانی با عنوان «بازنویسی داستان‌های عبید زاکانی در ادبیات معاصر» - سخنران: علی اصغر بشیری - مرکز فرهنگی شهر کتاب http://www.bookcity.org/detail/18593/root/Lectures	"
اختتامیه هشتاد و هفتمین دورهٔ دانش‌افزایی زبان و ادبیات فارسی - سخنران: غلامعلی حداد عادل، رضا صحرائی، محمدرسول الماسی و محمد تاشکن - بنیاد سعدی https://saadifoundation.ir/fa/news/2465/	چهارشنبه ۱۶
نشست مدیران شبکه جهانی جام‌جم در گسترش زبان و ادب فارسی - سخنران: غلامعلی حداد عادل، حسن ملکی - بنیاد سعدی https://saadifoundation.ir/fa/news/2477/	"
پنجمین سخنرانی از سلسله سخنرانی‌های بنیاد پژوهشی شهریار با موضوع «ادبیات ستیز و ادبیات تفاهم» - سخنران: باقر صدری‌نیا - تبریز، بنیاد پژوهشی شهریار	پنجشنبه ۱۷
شب سید ابوالقاسم انجوی شیرازی - سخنران: ولی‌الله درودیان، امیر نوری، سید احمد محیط طباطبایی، علی‌آنی زاده و علی‌دهباشی - تالار فردوسی خانهٔ اندیشمندان علوم انسانی http://bukharamag.com/1398.05.25087.html/	یکشنبه ۲۰
گزارش نشست نقد و بررسی کتاب «برلین الکساندر پلاتس» - سخنران: علی اصغر محمدخانی و علی اصغر حداد - مرکز فرهنگی شهر کتاب http://www.bookcity.org/detail/18605/root/meetings	سه‌شنبه ۲۲
نشست «بررسی نسبت میان طنز و آزادگی با نشاط فکری در اندیشهٔ عبید» - سخنران: سپیده موسوی - مرکز فرهنگی شهر کتاب http://www.bookcity.org/detail/18619/root/Lectures	"
انتشار نخستین نشریه تخصصی زبان فارسی در بغداد - بنیاد سعدی https://saadifoundation.ir/fa/news/2473/	چهارشنبه ۲۳
ششمین سخنرانی از سلسله سخنرانی‌های بنیاد پژوهشی شهریار با موضوع «داستان‌نویسی روسیه» - سخنران: صمد رحمانی - تبریز، بنیاد پژوهشی شهریار	"
آیین پایانی دومین جشنواره ملی عکس‌شاهنامه - سخنران: سیمون آیوازیان، کتایون قدس راد، مه‌کام خالقی، افشین بختیار و فیروزه ملویل - سالن فردوسی خانهٔ اندیشمندان علوم انسانی http://khaneandishmandan.ir/index.php/	پنجشنبه ۲۴
یکصد و شصت و پنجمین نشست از سلسله نشست‌های صبح پنجشنبه مجلهٔ بخارا در دیدار و گفت‌وگو با علی تسلیمی - خانه گفتمان شهر (وارطان) http://bukharamag.com/1398.05.25097.html	پنجشنبه ۳۱

ریشه در خاک

تو از این دشت خشک تشنه روزی کوچ خواهی کرد
و اشک من ترا بدرود خواهد گفت.
نگاهت تلخ و افسرده است.
دلت را خارخار ناامیدی سخت آزرده است.
غم این نابسامانی همه توش و توانت را ز تن برده است.
تو با خون و عرق این جنگل پژمرده را رنگ و رمق دادی.
تو با دست تهی با آن همه طوفان بنیان کن درافتادی.
تو را کوچیدن از این خاک، دل برکندن از جان است.
تو را با برگ برگ این چمن پیوند پنهان است.
تو را این ابر ظلمت گستر بی رحم بی باران
تو را این خشک سالی های پی در پی
تو را از نیمه بر گشتن یاران
تو را تزویر غمخواران ز پا افکند
تو را هنگامه شوم شغالان
بانگ بی تعطیل زاغان
در ستوه آورد.

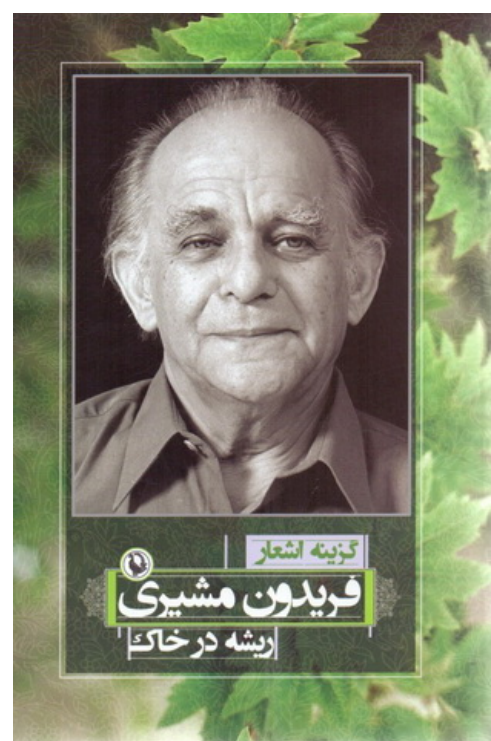


فریدون مشیری

(۳۰ شهریور ۱۳۰۵ - ۳ آبان ۱۳۷۹)

طلوع باشکوهش خوش تر از صد تاج خورشید است
تو با آن گونه های سوخته از آفتاب دشت
تو با آن چهره افروخته از آتش غیرت
که در چشمان من والاتر از صد جام جمشید است
تو با چشمان غمباری
که روزی چشمه جوشان شادی بود
و اینک حسرت و افسوس بر آن سایه افکنده ست
خواهی رفت.
و اشک من ترا بدرورد خواهد گفت

من اینجا ریشه در خاکم
من اینجا عاشق این خاک اگر آلوده یا پاکم
من اینجا تا نفس باقیست می مانم
من از اینجا چه می خواهم، نمی دانم
امید روشنایی گر چه در این تیرگی ها نیست
من اینجا باز در این دشت خشک تشنه می رانم
من اینجا روزی آخر از دل این خاک با دست تهی
گل برمی افشانم
من اینجا روزی آخر از ستیغ کوه چون خورشید
سرود فتح می خوانم
و می دانم
تو روزی باز خواهی گشت



گزیده اشعار

فریدون مشیری

ریشه در خاک

اطلاعیه گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی



فرهنگستان زبان و ادب فارسی

برگه ثبت نام برای ارتباط مستمر با گروه در
فرهنگستان زبان و ادب فارسی

اطلاعات فردی	اطلاعات شغلی
نام و نام خانوادگی:	میزان تحصیلات:
نام پدر:	رشته تحصیلی:
شماره شناسنامه:	شغل:
تاریخ تولد:	شهر محل خدمت:
محل تولد:	منطقه و واحد خدمت:
شماره تماس:	علاقه:
نشانی:	نشانی پیام نگار:

برای آگاهی از اخبار گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی
به کانال خبرنامه در نشانی زیر پیوندید:

<https://telegram.me/xabarname>

همچنین می توانید با ارسال پیامک به شماره ۰۹۹۰۳۵۸۹۹۱۲ پیوند
کانال خبرنامه را دریافت کنید.

تماس با ما:

فرهنگستان زبان و ادب فارسی
گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی

ارتباط با خبرنامه: ۴۸-۸۸۶۴۲۳۳۹

داخلی ۴۲۶

وبگاه فرهنگستان:

www.persianacademy.ir